

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

چهل جام معرفت

از زیارت اربعین

مهدی نیلی پور

سرشناسه	: نیلی پور، مہدی، ۱۳۴۱ -
عنوان قراردادی	: زیارتنامہ اربعین، فارسی، شرح
عنوان و نام پدیدآور	: چهل جام معرفت از زیارت اربعین/ مہدی نیلی پور.
مشخصات نشر	: مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاہری	: ۹۶ ص.: مصور (رنگی)؛ ۱۹/۵×۹/۵ س.م.
شابک	: رایگان 6-34-6090-622-978 :
وضیعت فهرست نویسی	: فیفا
یادداشت	: چاپ دوم.
یادداشت	: چاپ قبلی: مرغ سلیمان، ۱۳۹۵.
یادداشت	: کتابنامہ: ص. ۹۴ - ۹۵؛ همچنین بہ صورت زیر نویس.
موضوع	: زیارتنامہ اربعین - نقد و تفسیر
موضوع	: Arba'in prayer -- Criticism, interpretation, etc
موضوع	: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق -- زیارتنامہا
موضوع	: Hosayn ibn Ali, Imam III, 625 - 680 -- Ziyarat-namah
موضوع	: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق -- اربعین
موضوع	: Hosayn ibn Ali, Imam III, 625 - 680 -- Arba'in
موضوع	: زیارتنامہ اربعین - خواص
موضوع	: Arba'in prayer*-- Use of
شناسه افزوده	: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی
رہ بندی کنگرہ	: ۱۳۹۷ الف/۷/۲۷۱۷ BP
رہ بندی دیوبی	: ۲۹۷/۷۷۷
شمارہ کتابشناسی ملی	: ۵۴۰۷۸۵۹



عنوان: چهل جام معرفت از زیارت اربعین

نویسنده: مہدی نیلی پور

تنظیم و تولید: ادارہ تولیدات فرهنگی

ویراستار: حمیدرضا حبیبی

طرح جلد: سیدحسن موسی زادہ

ناشر: معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی

چاپخانہ: مؤسسہ فرهنگی قدس

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

شمارگان: ۲۰۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۹۰-۳۴-۶

نشانی: مشهد، حرم مطہر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی،

بین باب الہادی علیہ السلام و صحن غدیر، مدیریت فرهنگی

صندوق پستی: ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵

تلفن: ۰۵۱ - ۳۲۰۰۲۵۶۷

۴	مقدمه
۵	جام اول : اهداف چهارگانه زیارت اربعین
۱۰	جام دوم : شناخت بهتر و بیشتر جابر ابن عبدالله انصاری
۱۳	جام سوم : جابر، پدر زیارت اربعین
۱۸	جام چهارم : عطیه عوفی
۲۱	جام پنجم : فضیلت زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small>
۲۵	جام ششم : اربعین و زیارت اربعین
۲۸	جام هفتم : اسناد اعتبار بخشی به زیارت اربعین
۳۰	جام هشتم : دو زیارت‌نامه برای زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small> در روز اربعین
۳۱	جام نهم : زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small> و زیارت با پای پیاده و برهنه
۳۴	جام دهم : شناسنامه شخصی و خانوادگی امام حسین <small>علیه السلام</small> در زیارت اربعین
۳۵	جام یازدهم : ذکر چهل شایستگی امام حسین <small>علیه السلام</small> در زیارت اربعین
۳۷	جام دوازدهم : سلام کلید ارتباط
۳۸	جام سیزدهم : شهادت نه‌گانه در زیارت اربعین
۳۹	جام چهاردهم : اهداف نهضت امام حسین <small>علیه السلام</small> از منظر زیارت اربعین
۴۱	جام پانزدهم : نجات از گمراهی عملی و ضلالت
۴۳	جام شانزدهم : نجات از جهالت علمی و جهالت سیاسی
۴۵	جام هفدهم : مکتب تقدیه
۴۷	جام هجدهم : مکتب محنت حسینی
۴۹	جام نوزدهم : منطلق و شیوه امام حسین <small>علیه السلام</small> در برابر دشمن از منظر زیارت اربعین
۵۵	جام بیستم : پیشوایان جریان باطل و شیوه‌های تسلط آن‌ها
۵۷	جام بیست و یکم : قداست زدایی، خشونت، حرمت‌شکنی؛ مشخصه اسلام اموی
۶۰	جام بیست و دوم : در زیارت بیشتر قلب باشد تا ذهن
۶۱	جام بیست و سوم : بیروان جریان باطل و صفات آن‌ها
۶۴	جام بیست و چهارم : فلسفه تکرار لعن‌ها
۶۵	جام بیست و پنجم : لعن قاعدین در زیارت اربعین
۶۶	جام بیست و ششم : انواع ظلم بر اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۶۸	جام بیست و هفتم : امام حسین <small>علیه السلام</small> و خدا
۶۹	جام بیست و هشتم : خدا و امام حسین <small>علیه السلام</small>
۷۱	جام بیست و نهم : امامت عامه و خاصه
۷۳	جام سی ام : موضوع زعامت، رهبری و سیاست در زیارت اربعین
۷۵	جام سی و یکم : مهدویت در زیارت اربعین
۷۶	جام سی و دوم : فریاد یا حسین
۷۷	جام سی و سوم : اعتقاد به رجعت در زیارت اربعین
۷۹	جام سی و چهارم : حسین <small>علیه السلام</small> را تنها نگذاریم (مُؤَلِّکُ مَنْ خَذَلک)
۸۰	جام سی و پنجم : کرامت شهادت
۸۲	جام سی و ششم : قتیل العبرات
۸۵	جام سی و هفتم : حسین <small>علیه السلام</small> ؛ وارث انبیاء
۸۶	جام سی و هشتم : موضوع قیامت و معاد در زیارت اربعین
۸۸	جام سی و نهم : انواع ارتباطات در زیارت اربعین
۸۹	جام چهلم : مباحث خانواده در زیارت اربعین

زیارت اربعین سرمایه‌ای معنوی و معرفتی برای ایجاد ارتباط معنی‌دار با سردار کربلا؛ حسین بن علی علیه السلام و یاران با وفای ایشان است.

خواندن زیارت‌نامهٔ اربعین و اندیشیدن در معانی و الفاظ پرمعنای این زیارت، چه برای زائران از راه دور که توفیق زیارت از نزدیک در ایام اربعین را ندارند و چه برای زائرانی که توفیق حضور مستقیم در کربلای معلی در این ایام را به دست می‌آورند، موجب معرفت‌افزایی و رشد و آشنایی بیشتر با اهداف نهضت حسینی خواهد بود.

در متون روایی اهل‌بیت علیهم السلام، دو زیارت‌نامه معتبر برای اربعین سیدالشهداء علیه السلام وجود دارد که مشهورترین آن دو از قول امام صادق علیه السلام نقل شده است.

کتاب پیش رو که حاصل تأمل بر معارف والای زیارت‌نامهٔ اربعین در پیاده‌روی ایام اربعین سال ۱۴۳۶ق است، چهل جام معرفتی از کوثر زلال این زیارت‌نامه را تقدیمتان می‌کند.

امید آنکه با قبولی زیارات همهٔ زائران کربلای معلی، ضمن فراهم آمدن سرمایه‌ای معنوی و فردی، این زیارت به‌عنوان بزرگ‌ترین سرمایه اجتماعی شیعه، سبب اتحاد و انسجام هر چه بیشتر شیعیان و پایداری بر اصول مکتب اهل‌بیت علیهم السلام و عاشورایی شدن و فراهم آمدن زمینه‌های ظهور امام زمان علیه السلام شود.

مهدی نیلی پور
ذی‌القعدة ۱۴۳۷ق.
شهریورماه ۱۳۹۵ش.

جام اول : اهداف چهارگانه زیارت اربعین

زیارت معصومین و به‌ویژه زیارت سیدالشهداء علیه السلام با پای پیاده در ایام اربعین، فرصتی استثنایی برای پیروان اهل‌بیت علیهم السلام است که می‌توان از آن در چهار محور فردی، خانوادگی، اجتماعی (کشوری) و بین‌المللی (جهانی) در ابعاد فرهنگی، تربیتی، سیاسی و اقتصادی بهره‌برداری کرد.

فوائد و برکات زیارت اربعین از نظر فردی عبارت‌اند از:

۱. دوره تربیتی فشرده برای خودسازی، افزایش میزان مقاومت فردی و فداکاری در راه دین و ولایت؛
۲. دوره‌ای فشرده برای شناخت نقاط ضعف و قوت خود؛
۳. زیارت اربعین عالی‌ترین بستر برای تمرین سخت‌کوشی و درک بخشی از کُرُبات و سختی‌های عاشورائیان و تربیت جهادی است؛
۴. دوره‌ای فشرده برای ریاضت شرعی و پرداختن به ذکر و عبادت چندروزه و مستمر (نوعی اعتکاف در حرکت است)؛
۵. فرصتی برای محبت‌افزایی و تفکر درباره موضوعات گوناگون؛
۶. بزرگ‌ترین فرصت برای ابراز وفاداری و استمرار وفاداری نسبت به اهل‌بیت علیهم السلام با پذیرش سختی‌ها و بلاهای این راه؛
۷. کمک و مشارکت در حفظ و توسعه بزرگ‌ترین سرمایه اجتماعی شیعه که شیعیان در قرون متمادی در سخت‌ترین اوضاع از آن حراست کرده‌اند؛

۸. تقدیر از زحمات موکب‌داران و شیعیان عراق و رعایت آداب مهمانی؛

۹. درس آموزی از روحیه ایثار و احسان شیعیان عراقی و فرهنگ میزبانی ایشان؛

۱۰. شناخت ظرفیت جهانی شیعیان و ارائه خدمات در حد توانایی به آن‌ها؛

۱۱. موفقیت در انجام زیارت مقاومتی بین‌المللی و دیدن شکوه جمعیت مؤمنین و عاشقان اهل بیت علیهم‌السلام از نژادها و کشورها و فرهنگ‌های گوناگون؛

۱۲. موفقیت در انجام عبادتی بزرگ که هر قدمش پاداش یک حج و عمره دارد؛

۱۳. میثاق بستن با ولایت و امام عصر علیه‌السلام و استغاثه فردی جهت تعجیل در ظهور؛

۱۴. پشتیبانی از نهضت بیداری اسلامی و اعلام بیزاری از مشرکین و اسلام آمریکایی.

فوائد و برکات زیارت اربعین در بُعد خانوادگی بدین قرار است:

۱. تقویت فرهنگ زیارت در میان خانواده‌ها؛

۲. تقویت روحیات فداکارانه خانوادگی بر محور محبت اهل بیت علیهم‌السلام در کشور عراق و دیگر خانواده‌های شیعه در جهان اسلام؛

۳. فراهم آمدن فرصت شرکت اعضای خانواده در مراسم زیارت و با هدف عشق‌ورزی مخلصانه به اهل بیت علیهم‌السلام و تقویت روحیه جهاد و ایثار و فرهنگ عاشورا؛

۴. فراهم آمدن فرصتی برای والدین به منظور شرکت دادن فرزندان در همایشی بزرگ و تربیتی با محوریت موضوع زیارت؛

۵. ایجاد فضایی معنوی و ولایی در میان اعضای خانواده جهت داشتن خانواده‌های توحیدی، حسینی و مهدوی.

فوائد و برکات در بُعد اجتماعی:

۱. فرصتی طلایی برای تقویت فرهنگ عمومی زیارت امام حسین علیه السلام در همه سطوح اجتماعی؛

۲. فرصتی بی نظیر برای به صحنه کشاندن توده‌های عظیم مردمی در جهت تعظیم شعائر دین و ابراز وفاداری به اهل بیت علیهم السلام؛

۳. فرصتی برای تقویت و تصحیح روابط اجتماعی شیعیان با محوریت محبت سید الشهداء علیه السلام؛

۴. فرصتی بزرگ برای حضور اجتماعی دوستداران اهل بیت علیهم السلام در جهت فهمیدن و فهماندن فرهنگ حسینی و عاشورایی؛

۵. فراهم آمدن زمینه بروز و ظهور استعدادها، خلاقیت‌ها و ظرفیت‌های هنری، فرهنگی، تبلیغاتی و ... پیروان اهل بیت علیهم السلام به یکدیگر با تشکیل گروه‌های مختلف و یا فعالیت‌های فردی؛

۶. پاک‌سازی محیط‌های اجتماعی از آثار گناه، غبار غرب‌زدگی، دنیاگرایی و غفلت از خدا؛

۷. فراهم شدن بستر شرکت گروه‌های مختلف اجتماعی در مسئله عبادی زیارت با راهکار خدمت به زائرین در طول مسیر نجف تا کربلا و حتی مسیرهای داخل کشور.

اما در بُعد بین‌المللی و جهانی هم می‌توان و باید این فوائد و آثار را دنبال کرد:

۱. تقویت روابط عاطفی و ایثارگرانه میان دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام در سراسر جهان؛

۲. تشکیل بزرگ‌ترین همایش اقتدار شیعی در طی حرکتی صلح‌آمیز در عرصه جنگ نرم؛

۳. فراهم شدن فرصتی برای معارضه بین‌المللی پیروان اهل بیت علیهم‌السلام با فرقه‌های انحرافی و اسلام‌های دروغین؛

۴. فرصتی برای تقویت باورها و هم‌افزایی اقتدار شیعه در همه جهان؛

۵. تشکیل بزرگ‌ترین سرمایه اجتماعی شیعه در طول تاریخ؛

۶. انتقال فرهنگ انسانیت، ایثار، انفاق و اطعام به دیگر فرهنگ‌ها با محوریت امام حسین علیه‌السلام در جهان اسلام؛

۷. تقویت روحیه عزتمندی، اتحاد، استکبارستیزی و انسجام میان پیروان اهل بیت علیهم‌السلام با محوریت حوزه‌های علمیه و رهبران راستین و مراجع تقلید؛

۸. زمینه‌سازی برای استغاثه جهانی و مطالبه تسریع در ظهور امام عصر علیه‌السلام؛

۹. معارفه و تقویت ارتباطات شیعیان جهان در همه ابعاد؛

۱۰. جذب توجه افکار عمومی جهان و دیگر مذاهب و مکاتب
به مکتب اهل بیت علیهم السلام و معرفی تشیع به جهانیان؛
۱۱. فراهم آمدن زمینه ظهور استعداد‌های نهفته شیعیان در
ایثار و احسان و همزیستی و انواع خدمات فرهنگی به
یکدیگر؛
۱۲. تقویت و تثبیت نهضت بیداری اسلامی و معرفی اسلام
انقلابی به جهان؛
۱۳. بازشناسی و تقویت هویت شیعی در جهان اسلام؛
۱۴. تقویت و باز شناسی فرهنگ طلایی و مؤثر زیارت، بویژه
زیارت سید الشهداء علیه السلام.

جام دوم : شناخت بهتر و بیشتر جابر ابن عبدالله انصاری

از شخصیت‌های پرافتخار عالم اسلام و از صحابهٔ گران‌قدر رسول خدا ﷺ و پنج‌تن از امامان معصوم و حضرت زهرا علیها السلام جابر بن عبدالله انصاری است.

جابر حتی از حضرت زهرا علیها السلام نیز روایت نقل می‌کند و از شاگردان علمی و از محبان دلیر و ثابت‌قدم اهل بیت علیهم السلام بوده است.

فهرست شایستگی‌های شخصیتی جناب جابر بدین شرح است:

۱. عبدالله انصاری؛ پدر جابر، از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بود که نام او در فهرست دعوت‌کننده‌گان رسول خدا صلی الله علیه و آله برای هجرت از مکه به مدینه نیز دیده می‌شود. پدر جابر در جنگ أحد از یاران انگشت‌شمار پیامبر صلی الله علیه و آله بود که تپه تیراندازان (جبل الرماة) را ترک نکرد و همان‌جا در راه اطاعت فرمان جنگی پیامبر صلی الله علیه و آله به شهادت رسید؛

۲. جابر جزو گروه هفتاد نفری بود که همراه پدرش با حضور در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله در منی، با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت کرده و آن حضرت را به مدینه دعوت نمودند؛

۳. جابر در زمره کسانی است که پس از شکست در جنگ أحد بلافاصله برای شرکت در حمراء الأسد به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله لبیک گفت و آماده جنگ با مشرکین قریش شدند؛

۴. جابر علاوه بر اینکه افتخار فرزند شهید بودن را دارد، به‌عنوان رزمنده‌ای از جان گذشته، مجموعاً در هجده جنگ در زمان پیامبر ﷺ حضور داشت؛ جنگ‌هایی مانند: احزاب، بنی قریظه، خیبر، صلح حدیبیه، فتح مکه، محاصره طائف، جنگ أُحُد، جنگ حمراء الأسد و ...؛

۵. جابر در حجة الوداع حاضر بود و از روایان حدیث غدیر خم است که پیوسته این حدیث و دیگر روایات مربوطه به اهل بیت علیهم السلام را برای مردم بازگو می‌کرد؛

۶. جابر از شیعیان خالص امیرالمؤمنین علیهم السلام بود و آن حضرت را خلیفه بلافصل پیامبر ﷺ می‌دانست؛

۷. روش جابر برای تبلیغ امر ولایت، روش خانه به خانه بود؛ او محله انصار در مدینه را خانه به خانه می‌گشت و می‌گفت: ای گروه انصار فرزندانان را با محبت علی علیهم السلام تربیت کنید و هر فرزندی که از حبّ علی سرباز زد، در احوال مادرش (و حلال‌زادگی فرزند) بنگرید؛

۸. جابر از حافظان و روایان اخبار اهل بیت علیهم السلام است؛ او ۱۵۴۰ روایت در موضوعات گوناگون و بویژه در مسئله دفاع از ولایت و محبت امیرالمؤمنین علیهم السلام نقل کرده است؛

۹. جابر از نظر جایگاه علمی، در زمره مفسران قرآن صدر اسلام محسوب می‌شود؛

۱۰. جابر در دوران حکومت امیرالمؤمنین علیهم السلام در هر سه جنگ جمل، صفین و نهروان در رکاب آن حضرت بوده است.

۱۱. جابر فردی سیاستمدار و مبارز بود و در برابر معاویه و استانداران او موضع‌گیری می‌کرد و از آنان هیچ وحشتی نداشت .

۱۲. جابر اولین زائر سید الشهداء علیه السلام و پایه‌گذار زیارت اربعین با پای پیاده است.

۱۳. جابر شخصیتی علمی و مورد اعتماد ائمه طاهرین است؛ از جمله امام حسن مجتبی علیه السلام، امام سجاد و امام باقر علیه السلام، از جابر می‌خواستند تا احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله را برای مردم بازگو کند و خود ایشان نیز به کلام جابر استناد می‌کردند؛

۱۴. مبارزه جابر با طاغوت‌ها تا آنجا به پیش رفت که حجاج بن یوسف ثقفی، به گردن او زنجیر آویخت تا او را در جامعه به جرم محبت ورزی به اهل بیت علیهم السلام و علوی بودن، نشاندار و تحقیر کند؛^۱

اما در ازای این تلاش‌ها و مجاهدت‌های علمی و عملی، خداوند متعال نام جابر را ماندگار و زیارت اربعین را به نام او رقم زد و بدون تردید او را شریک زیارت همه زائران اربعین امام حسین علیه السلام قرار خواهد داد.

۱. مجله فرهنگ زیارت، ص ۲۴۴.

جام سوم : جابر، پدر زیارت اربعین

جابر ابن عبدالله انصاری، چهره سرشناس و نامدار در میان اهل علم و وادی معرفت و محبت اهل بیت علیهم السلام در نخستین اربعین حسینی، با اقدامی جسورانه و در اوضاعی به شدت پلیسی و امنیتی که اهل بیت علیهم السلام و شیعیان آن‌ها در تنگنای شدید اجتماعی و سیاسی از سوی بنی‌امیه بودند، راهی کربلا شد و نخستین بار زیارت اربعین سیدالشهداء علیه السلام را پایه‌گذاری کرد. در تاریخ ماجرای زیارت جابر این‌گونه نقل شده است:

« عطیه عوفی گوید با جابر بن عبدالله انصاری برای زیارت قبر امام حسین علیه السلام از کوفه بیرون شدیم، وقتی به کربلا رسیدیم، جابر کنار فرات رفت و غسل کرد، سپس لنگی به کمر خود بست و قطعه دیگری (همچون لباس احرام) روی شانهاش افکند و مقداری سعد (گیاه خوشبو) از کیسه درآورد و به بدنش پاشید و به راه افتاد؛ قدمی بر نمی‌داشت مگر با ذکر خدا و چون نزدیک قبر رسید به من گفت دستم را به قبر برسان، تا دستش به قبر رسید بی‌هوش به روی آن افتاد، قدری آب به صورتش پاشیدم تا حالش بجا آمد، سپس سه بار گفت یا حسین، بعد از آن گفت دوست جواب دوستش را نمی‌دهد؛ به او گفت، چگونه پاسخ‌دهی، زیرا خون از رگ‌های گردنت به پشت و شانهاش روان شده و بین بدن و سر مبارکت جدائی افتاده و من گواهم که تویی فرزند پیامبران و پسر آقای مؤمنان و پسر هم‌پیمان تقوی و پرهیزگاری و از نژاد هدایت و پنجمین نفر از اصحاب کساء و پسر سید نقباء و پسر فاطمه بهترین زنان، چرا چنین نباشی درحالی‌که دست آقای پیامبران تو را غذا داده و در دامن پرهیزگاران پرورش یافتی و از سینه

ایمان شیر نوشیدی و به مسلمانی از شیر گرفته شدی، پاک زندگی کردی و پاک از دنیا رفتی، اما دل‌های مؤمنان در فراق ناراحت‌اند، ولی در زنده بودن تردیدی ندارد، پس درود و خشنودی خدا بر تو باد و من گواهی می‌دهم که تو به روش و برنامه برادرت یحیی پسر زکریا از دنیا رفتی. سپس چشمش را به اطراف قبر دور داد و گفت درود بر شما ای جان‌هایی که در آستان حسین علیه السلام منزل کردید و در ایستگاه و مرکز او پیاده شدید، من گواهی می‌دهم که شما نماز را به پاداشدید و زکات را پرداختید و امر به معروف و نهی از منکر نمودید و با ملحدان و بی‌دینان مبارزه کردید و خدا را بندگی کردید تا به سر حدّ یقین و باور کامل رسیدید، سوگند به آن کس که محمد را به‌راستی برگزید، ما در راهی که شما رفتید با شما شرکت داریم. عطیه می‌گوید به جابر گفتم چگونه (ما شریک آن‌هاییم)؟ باینکه از دره فرود نیامدیم و از کوهی بالا نرفتیم و شمشیر نزدیم، ولی آن‌ها سرشان از بدن‌ها جدا شده و فرزندان‌شان یتیم و زن‌هایشان بیوه گشتند، گفت ای عطیه از دوستم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم فرمود هر کس قومی را دوست بدارد با آن‌ها محشور گردد و هر کس کردار قومی را دوست بدارد با آن‌ها شریک است، سوگند به آن کس که محمد صلی الله علیه و آله را به‌راستی برگزید، نیت و قصد من و یارانم همان نیت امام حسین علیه السلام و اصحاب آن حضرت است، مرا به سوی خانه‌های کوفه ببرید، چون مقداری راه رفتیم به من گفت ای عطیه، ترا وصیتی می‌کنم چون دیگر گمان ندارم بعد از این سفر تو را ملاقات نمایم، دوست بدار دوستان آل محمد صلی الله علیه و آله را تا وقتی دوست آن‌ها نباشی و دشمن بدار دشمنان آل محمد صلی الله علیه و آله را تا وقتی دشمن باشند اگرچه آن دشمنان بسیار اهل روزه و نماز باشند و با دوستان آل

محمد ﷺ همراهی کن، زیرا اگر آنها به خاطر گناهان زیاد یک قدم بلغزند، چون دوستدار آنها خاندان اند در قدم دیگر ثابت میمانند، راستی دوست آنها به بهشت و دشمن آنان به دوزخ بازمیگردد.»^۱

۱. عَنْ عَطِيَّةِ الْعَوْفِيِّ قَالَ: خَرَجْتُ مَعَ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ زَائِرِينَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمَّا وَرَدْنَا كَرْبَلَاءَ دَنَا جَابِرٌ مِنْ شَاطِئِ الْفُرَاتِ فَاعْتَسَلَ ثُمَّ انْتَرَزَ بِإِزَارٍ وَارْتَدَى بِآخِرِ ثُمَّ فَتَحَ صُرَّةً فِيهَا سَعْدٌ فَفَتَرَهَا عَلَيَّ بِدَيْتِهِ ثُمَّ لَمْ يَخْطُ خُطْوَةً إِلَّا ذَكَرَ اللَّهُ حَتَّى إِذَا دَنَا مِنَ الْقَبْرِ قَالَ الْمُسْنِيهِ فَالْمَسْنُتُهُ فَخَرَّ عَلَى الْقَبْرِ مَغْشِيًّا عَلَيْهِ فَرَشَشْتُ عَلَيْهِ شَيْئًا مِنَ الْمَاءِ فَأَفَاقَ ثُمَّ قَالَ يَا حُسَيْنُ نَلَّانَا ثُمَّ قَالَ حَبِيبٌ لَا يُجِيبُ حَبِيبَهُ ثُمَّ قَالَ وَ أَنِّي لَكَ بِالْجَوَابِ وَقَدْ شُحِطْتُ أَوْذَاجَكَ عَلَى أَثْنَاجِكَ وَ فَرَّقَ بَيْنَ بَدَنِكَ وَ رَأْسِكَ فَأَشْهَدُ أَنَّكَ ابْنُ النَّبِيِّ وَ ابْنُ سَيِّدِ الْمُؤْمِنِينَ وَ ابْنُ حَلِيفِ النَّقْوَى وَ سَلِيلِ الْهُدَى وَ خَامِسُ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ وَ ابْنُ سَيِّدِ النَّبَاءِ وَ ابْنُ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ وَ مَا لَكَ لَا تَكُونُ هَكَذَا وَقَدْ غَدَّتْكَ كَفُّ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ رَبَّيْتَ فِي حَجْرِ الْمُتَّقِينَ وَ رَضَعْتَ مِنْ نَدَى الْإِيمَانِ وَ فُطِمْتَ بِالْإِسْلَامِ فَطَيْبَتْ حَيَا وَ طَيَّبَتْ مَيْتًا غَيْرَ أَنْ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ طَيِّبَةٍ لِإِفْرَاقِكَ وَ لَا شَاكَةَ فِي الْخَيْرَةِ لَكَ فَعَلَيْكَ سَلَامُ اللَّهِ وَ رِضْوَانُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مُضَيَّبٌ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ أَحْوَكَ يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا ثُمَّ جَالَ بِبَصْرِهِ حَوْلَ الْقَبْرِ وَ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْأَرْوَاحُ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَاءِ الْحُسَيْنِ وَ أَنَاخَتْ بِرَحْلِهِ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ جَاهَدْتُمُ الْمُلْحِدِينَ وَ عَبَدْتُمُ اللَّهَ حَتَّى آتَاكُمْ الْبَقِيَّةُ وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لَقَدْ شَارَكْنَاكُمْ فِيمَا دَخَلْتُمْ فِيهِ قَالَ عَطِيَّةٌ فَقُلْتُ لِجَابِرٍ وَ كَيْفَ وَ لَمْ نَهْبَطْ وَادِيًا وَ لَمْ نَعْلُ جَبَلًا وَ لَمْ نُضْرِبْ بِسَيْفٍ وَ الْقَوْمُ قَدْ فَرَّقَ بَيْنَ رُءُوسِهِمْ وَ أَبْدَانِهِمْ وَ أُوَيْمَتِ أَوْلَادُهُمْ وَ أَرْمَلَتْ الْأَرْوَاحُ فَقَالَ لِي يَا عَطِيَّةُ سَمِعْتُ حَبِيبِي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا حُسْرًا مَعَهُمْ وَ مَنْ أَحَبَّ عَمَلٍ قَوْمٍ أَشْرَكَ فِي عَمَلِهِمْ وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنْ يَتَّبِعِي وَ يَتَّبِعْ أَصْحَابِي عَلَيَّ مَا مَضَى عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ وَ أَصْحَابُهُ خُدُوا بِي نَحْوَ آيَاتِ كُوفَانَ فَلَمَّا صِرْنَا فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ فَقَالَ لِي يَا عَطِيَّةُ هَلْ أَوْصِيكَ وَ مَا أَظُنُّ أَنَّي بَعْدَ هَذِهِ السَّفَرَةِ مُلَاقِيكَ أَحَبُّ مُجِيبٍ آلِ مُحَمَّدٍ مَا أَحْبَبَهُمْ وَ أَبْغَضُ مُبْغِضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَا أَبْغَضَهُمْ وَ إِنْ كَانَ صَوَامًا قَوَامًا وَ ارْتَفَقُ بِمُحِبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّهُ إِنْ تَزَلَّ لَهُمْ قَدَمٌ بِكَثْرَةِ ذُنُوبِهِمْ تَبَتَّتْ لَهُمْ أُخْرَى بِمَحَبَّتِهِمْ فَإِنَّ مُجِيبَهُمْ يُعُودُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ مُبْغِضَهُمْ يُعُودُ إِلَى النَّارِ. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٦٥، ص ١٣١.

با دقت در این روایت پرمعنا و واکاوی حرکت ماندگار و فرهنگ‌ساز جناب جابر، به درس‌ها و پیام‌های تربیتی، اخلاقی و سیاسی مهمی برمی‌خوریم که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

درس‌های اخلاقی و عرفانی

۱. جناب جابر با نیت صادقانه و خالصانه و با استناد به کلام نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، خود را شریک جهاد بزرگ سیدالشهداء عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و یاران با وفای آن حضرت نمود و امکان سربازی مجازی و غائبانه امام حسین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در هر زمان و مکان را برای همه، آرزویی دست‌یافتنی معرفی کرد؛
۲. تشرف برای زیارت امام حسین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، همواره به شجاعت و جسارت نیاز دارد، همچنان که جابر با انتخاب اولین اربعین برای این عبادت به اقدامی شجاعانه دست زد؛
۳. سفر کربلا به‌طور معمول با رنج و سختی همراه است؛ همچنان که جابر برای رسیدن به کربلا، رنج سفر را بر خود هموار کرد و فاصله سیصد فرسخی مدینه تا کربلا را با وجود کهولت سن و نابینایی طی کرد؛
۴. مشکلات و ناملايمات نباید ما را از سفر کربلا بازدارند، همچنان که کهولت سن و ناتوانی جسمی، جابر را از زیارت، آن‌هم در اوضاعی به‌شدت ناامن و پرخطر باز نداشت؛

پیام‌های سیاسی و اجتماعی

۱. زیارت اربعین سیدالشهداء علیه السلام، حتی الامکان در هیچ شرایطی، هرچند ناامن و خطرناک نباید ترک شود، چراکه این عبادت نوعی مبارزه با عوامل شیطانی و حاکمان فاسد و در هم شکستن اقتدار آنهاست؛
۲. زیارت اربعین سیدالشهداء علیه السلام هرچند تنها و یا با یک همسفر و حتی همسفری نابینا مثل جابر نباید ترک شود، زیرا این حرکت حماسی بیانگر شرف و اقتدار شیعه است؛
۳. زیارت امام حسین علیه السلام در ایام اربعین، مانوری باشکوه و همایشی صلح‌آمیز برای شیعه است؛
۴. زیارت اربعین، نوعی جهاد مقدس و دفاع از مکتب و آرمان‌های شیعه است؛

جام چهارم : عطیه عوفی

پس از رویارویی سخت دو اسلام اموی و علوی در کربلا و پیروزی ظاهری امویان، دو انسان بزرگ برای زیارت قبر سیدالشهداء علیه السلام عازم سفر پرمخاطره کربلا شدند؛ این دو مؤمن انقلابی یعنی جابر ابن عبدالله انصاری و عطیه عوفی از شخصیت‌های ممتاز و سرشناس اسلام بودند که شایستگی الگو قرار گرفتن برای دوستان اهل بیت علیهم السلام را دارند.

در تاریخ و در ترسیم شخصیت انقلابی عطیه عوفی آمده است:

« در سال‌های ۳۶ تا ۴۰ قمری، روزی سعد بن جناده به آستان حضرت علی علیه السلام شرفیاب شد؛ ولادت فرزندش را به عرض حضرت رساند و تقاضای نام‌گذاری کرد؛ حضرت نوزاد را در آغوش گرفت و فرمود: « **هَذَا عَطِيَّةُ اللَّهِ** » این نوزاد عطا و موهبت الهی است.

حضرت علی علیه السلام بعد از مراسم نام‌گذاری، برای عطیه صد درهم حقوق ماهانه تعیین فرمود و پدرش با دریافت حقوق برای کودک غذا تهیه کرد. چون عطیه از قبیله بنی عوف بود، به او عطیه عوفی می‌گفتند.

عطیه، از تابعین است، زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را ملاقات نکرده، اما با اصحاب آن حضرت همنشین بوده است؛

او از اصحاب حضرت علی علیه السلام و امامان بعد از او تا امام محمدباقر علیه السلام به شمار می‌آید. عطیه از دانشمندان بزرگ و اسلام‌شناس عصر خویش شمرده می‌شد و از چنان مقام علمی برخوردار بود که حتی دانشمندان اهل سنت نیز او را مورد

اعتماد می‌دانستند و دانش تفسیری و حدیثی‌اش را تأیید می‌کردند.

عطیه استادانی برجسته داشت که در اسلام و تشیع از جایگاهی والا برخوردار بودند؛ این شخصیت علمی شاگردان بسیاری تربیت کرد. کتاب «تهذیب التهذیب» نام شانزده تن از آن‌ها را ثبت کرده است. اعمش و پسران عطیه (حسن و عمر و علی) در این گروه جای دارند. علی بن عطیه از اصحاب امام صادق علیه السلام نیز به شمار می‌آید.

عطیه، در تفسیر دست‌پرورده استادی چون ابن عباس بود و پنج جلد تفسیر قرآن نگاشت؛ دانشمندان اهل تسنن از این تفسیر بهره‌های فراوان برده‌اند. آثار عطیه نزد علمای اهل سنت معتبر است و بزرگانی چون طبری، خطیب بغدادی از آثار این دانشور بزرگ بهره فراوان بردند. عشق عطیه به علوم قرآنی و انس وی با قرآن به اندازه‌ای بود که خودش می‌گوید: من سه دوره تفسیر کامل قرآن را نزد ابن عباس آموختم و قرآن را نیز هفتاد بار در کنارش خواندم. جناب عطیه علاوه بر پنج جلد تفسیر بر قرآن از راویان حدیث است. او راوی حدیث غدیر خم از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خطبه فدکیه از حضرت زهرا علیها السلام است که عطیه آن را برای عبدالله ابن حسن مثنی، پسر امام حسن مجتبی علیه السلام نقل کرد و در تاریخ به یادگار نهاد. عطیه فعالیت‌های سیاسی اجتماعی و مبارزاتی فراوانی داشت؛ این دانشمند بزرگ در قیام عبدالرحمن بن محمد بن اشعث در سال ۸۰ قمری که علیه حکومت مروان و حجاج ابن یوسف ثقفی شکل گرفت، شرکت کرد، ولی عبدالرحمن شکست خورد و عطیه به سمت فارس گریخت. حجاج در فرمانی، به فرماندار فارس؛ محمد بن قاسم ثقفی نوشت تا عطیه را دستگیر کرده، او را وادار سازد به حضرت علی علیه السلام ناسزا بگوید و اگر امتناع ورزید، چهارصد تازیانه بر وی زده، موی سر و محاسنش را بتراشد. فرماندار فارس عطیه

را فراخواند و فرمان حجاج را برایش خواند؛ عطیه زیر بار چنین ننگی
نرفت و با کمال شهامت چون کوهی استوار ماند و سخت‌ترین
شکنجه‌ها و تازیانه‌های امویان را تحمل کرد.»^۱

امتیازات شخصیتی جناب عطیه عوفی در یک نگاه عبارت‌اند
از:

۱. نام‌گذاری او از جانب حضرت علی علیه السلام
۲. صحابی حضرت علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام
و حضرت زین‌العابدین و امام باقر علیهما السلام
۳. مهارت علمی به‌ویژه در علم تفسیر قرآن و حدیث؛
۴. مدافع سرسخت علمی و عملی اهل بیت علیهم السلام
۵. راوی خطبه فدکیه حضرت زهرا رضی الله عنها و روایت غدیر خم؛
۶. شجاع و جسور در نقل روایت و حقایق ولایت؛
۷. از محبتین و عاشقان پاکبخته و نامدار اهل بیت علیهم السلام
۸. بهره‌مندی از برترین اساتید و تربیت بهترین شاگردها؛
۹. از اولین زائرین کربلا پس از شهادت سیدالشهداء علیه السلام
۱۰. از پایه‌گذاران زیارت اربعین امام حسین علیه السلام
۱۱. شکنجه‌شده و شلاق‌خورده در راه ولایت و محبت
امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۲. مبارزه سرسخت با امویان و حکومت مروان و عوامل
حکومتی او.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه علمیه قم.

جام پنجم : فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام

زیارت به معنای ایجاد ارتباطی روحی و قلبی با مزور و توجه و توسل به انسان‌های کامل و موحد و استمداد از ایشان برای رسیدن به کمال و تعالی است؛ این توجه و توسل گاهی با حضور مستقیم در کنار مرقد شریف اهل بیت علیهم السلام همراه است و گاهی بدون حضور مستقیم که بدان زیارت از راه دور می‌گویند.

أربعین از جمله زمان‌های خاص زیارتی است که توفیق بهره‌مندی از برکات زیارت بویژه با پای پیاده به مسافت مسیر نجف تا کربلا (۸۰ کیلومتر) فراهم خواهد آمد.

زیارت امام حسین علیه السلام علاوه بر آثار عرفانی، اخلاقی و عبادی آن، نمایشگر اقتدار سیاسی و اجتماعی شیعه و انتشار اندیشه و آرمان‌های مکتب تشیع در جهان خواهد بود.

برخی از آثار، برکات و پاداش‌های الهی زیارت امام حسین علیه السلام عبارت‌اند از:

متن روایت	اثر، پاداش و برکت زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small>	ردیف
پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> به حضرت علی <small>رضی الله عنه</small> فرمودند: [هر کس حسین <small>رضی الله عنه</small> را زیارت کند، گویی خدا را در عرش ملاقات نموده است.] ^۱	برابری زیارت خدا در عرش	۱
امام صادق <small>رضی الله عنه</small> فرمود: [هر کس با معرفت به حق حسین <small>رضی الله عنه</small> او را زیارت کند، خداوند نامش را در اعلیٰ علیین ثبت نماید.] ^۲	ثبت نام زائر در اعلیٰ علیین	۲

۱. موسوعه زیارت، ج ۳، ص ۹.

۲. موسوعه زیارت، ج ۳، ص ۱۰۷.

متن روایت	اثر، پاداش و برکت زیارت اسام حسین <small>علیهم السلام</small>	ردیف
امام حسین <small>علیه السلام</small> فرمودند: [من کشته اشکم، باحالتی غمگین کشته شدم و بر خداست که کسی با حالی غمگین نزد من نیاید، جز اینکه او را با دلی شاد به سوی خانواده اش برگرداند.] ^۱	سرور و نشاط دل و جان	۳
امام حسین <small>علیه السلام</small> فرمودند: [هر کس پس از وفات من، مرا زیارت کند او را در قیامت زیارت می کنم و اگر در آتش باشد، نجاتش می دهم.] ^۲	دیدار با امام حسین <small>علیه السلام</small> در قیامت و نجات از جهنم	۴
امام صادق <small>علیه السلام</small> فرمودند: [هر کس به خاطر خدا، او (حسین <small>علیه السلام</small>) را زیارت کند، خداوند از گناهانش خارجش می کند مانند نوزادی که از مادرش (پاک) متولد شده است.] ^۳	پاک شدن همانند روز ولادت از مادر و مشایعت زائر از سوی ملائکه	۵
امام باقر <small>علیه السلام</small> فرمودند: [... به خدا سوگند گریه شما بر او (حسین <small>علیه السلام</small>) و سخن گفتن در مورد ماجرای او و به زیارت قبر او رفتن، به منزله باری شما نسبت به او در دنیاست، پس بشارت باد شما را که با او در جوار رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> (در بهشت) خواهید بود.] ^۴	هم جواری با رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> در بهشت	۶
امام باقر <small>علیه السلام</small> فرمودند: [هر کس در زیارت رفتن او (حسین <small>علیه السلام</small>) بترسد، خداوند وحشتش را در روز قیامت برطرف می کند.] ^۵	رضایت الهی و ایمنی از ترس و وحشت قیامت	۷

۱. موسوعه زیارت، ج ۳، ص ۹۳.
۲. موسوعه زیارت، ج ۳، ص ۹۴.
۳. موسوعه زیارت، ج ۳، ص ۹۶.
۴. موسوعه زیارت، ج ۳، ص ۱۰۲.
۵. موسوعه زیارت، ج ۳، ص ۱۰۲.

متن روایت	اثر، پاداش و برکت زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small>	ردیف
امام باقر <small>علیه السلام</small> فرمودند: [چون روز قیامت برپا شود، امام حسین <small>علیه السلام</small> در سایه عرش خدا می‌نشیند و خداوند زائران و شیعیانش را (گرد او) جمع می‌کند.] ^۱	هم‌نشینی با امام حسین <small>علیه السلام</small> در بهشت	۸
امام باقر <small>علیه السلام</small> فرمودند : [هیچ‌گاه بنده‌ای به سوی حسین <small>علیه السلام</small> نمی‌رود مگر اینکه به ازای هر قدم او، خداوند برایش حسنه‌ای منظور می‌دارد و گناهی از او می‌ریزد.] ^۲	احتساب یک حسنه و محو یک گناه برای هر قدم زائر در مسیر زیارت	۹
امام باقر <small>علیه السلام</small> فرمودند: [هر کس حسین را در روز عاشورا از محرم زیارت کند تا اینکه نزد او به گریه افتد، روز قیامت خدا را ملاقات می‌کند با ثوابی معادل یک میلیون حج و عمره و یک میلیون جهاد در رکاب پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و امامان، برای زائر امام حسین <small>علیه السلام</small> در روز عاشورا (جنگ) در رکاب پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و امامان <small>علیهم السلام</small> باشد.] ^۳	ثوابی معادل یک میلیون حج، یک میلیون عمره و یک میلیون جهاد در رکاب پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و امامان، برای زائر امام حسین <small>علیه السلام</small> در روز عاشورا	۱۰
امام صادق <small>علیه السلام</small> فرمودند: [هر کس امام حسین <small>علیه السلام</small> را با این زیارت‌نامه ^۴ زیارت کند ... مانند کسی است که با حسین <small>علیه السلام</small> شهید شده و با شهدای کربلا در درجات آنان شریک خواهد بود.] ^۵	شراکت با درجات شهدای کربلا	۱۱

۱. موسوعه زیارت، ج ۳، ص ۱۰۵.
۲. موسوعه زیارت، ج ۳، ص ۱۰۶.
۳. موسوعه زیارت، ج ۳، ص ۱۱۰.
۴. موسوعه زیارت، ج ۳، ص ۳۰۲.
۵. موسوعه زیارت، ج ۳، ص ۱۲۱.

متن روایت	اثر، پاداش و برکت زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small>	ردیف
<p>امام صادق <small>علیه السلام</small> فرمودند: [هرکس برای خدا و در راه خدا قبر حسین <small>علیه السلام</small> را زیارت کند، خداوند از آتش آزادش نماید و از ترس آن روز بزرگ ایمنی‌اش بخشد و هیچ حاجتی از حاجات دنیا و آخرت را طلب نکند، مگر اینکه به او عطا نماید.]^۱</p>	<p>برآورده شدن حاجت دنیوی و اخروی</p>	<p>۱۲</p>
<p>امام صادق <small>علیه السلام</small> فرمودند: [همانا فاطمه <small>علیها السلام</small> دختر محمد <small>صلی الله علیه و آله</small> نزد زائرین قبر فرزندش حسین حاضر می‌شود و برای گناهان آن‌ها طلب مغفرت می‌کند.]^۲</p>	<p>حضور حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> نزد زائر و طلب آمرزش ایشان برای او</p>	<p>۱۳</p>
<p>امام صادق <small>علیه السلام</small> فرمودند: [ای شعیب! هیچ کس نزد او (حسین <small>علیه السلام</small>) نماز نخواند جز اینکه خداوند از او قبول کند.]^۳</p>	<p>قبولی نماز زائر</p>	<p>۱۴</p>

۱. موسوعه زیارت، ج ۳، ص ۱۳۲.

۲. موسوعه زیارت، ج ۳، ص ۱۳۸.

۳. موسوعه زیارت، ج ۳، ص ۱۳۸.

جام ششم: اربعین و زیارت اربعین

عدد چهل (أربعین) از جمله اعداد مقدّس و مجرب در امور معنوی و سیر و سلوک الی الله است. قرآن مواعده میان خدا با حضرت موسی را چهل شبانه روز برمی شمارد و می فرماید:

﴿وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ﴾^۱

و با موسی، سی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب دیگر تمام کردیم. تا آنکه وقت معین پروردگارش در چهل شب به سر آمد. و موسی [هنگام رفتن به کوه طور] به برادرش هارون گفت: «در میان قوم من جانشینم باش، و [کار آنان را] اصلاح کن، و راه فسادگران را پیروی مکن.»

اعلام این عدد خاص به عنوان مدت مواعده، بیانگر تأثیر عدد چهل شبانه روز اشتغال به فکر و ذکر و عبادت در نفس و وصول الی الله است.

عرفا و علمای علم اخلاق با الهام از این آیه شریفه، برنامه های عبادی و ریاضت های شرعی خود را با عنوان چله نشینی در مدت چهل روز تنظیم می کنند. در نگاهی کلان عدد چهل در تکامل روح و جسم انسان در سه دوره عالم جنینی، عالم دنیا و عالم برزخ تأثیرگذار است.

در عالم رحم، جنین هر چهل روز، یک مرحله از رشد تکاملی خود را پشت سر می گذارد و تا زمان چهارماهگی، سه

۱. اعراف، ۱۴۲.

دوره چهل‌روزه (نطفه، علقه، مضغه) را سپری می‌کند تا پس‌از آن روح در جنین دمیده شود.

در دنیا با برنامه‌های عبادی و مراقبت‌های اخلاقی چهل‌روزه می‌توان به رشد سریع رسید، چنانچه در روایت نبوی می‌خوانیم:

مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَجَرَّ اللَّهُ يَتَابِعَ الْحِكْمَةَ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.^۱

«کسی که چهل روز خود را برای خدا خالص کند، خداوند متعال چشمه‌های حکمت را از قلب او بر زبانش می‌جوشاند.»

در عالم برزخ نیز بر اساس آداب و فرهنگ دینی، چهل روز پس از مرگ مؤمن برای او مراسم و یادبودی برپا می‌شود و این بیانگر پایان یک مرحله از سیر برزخی مؤمن و ورود او به مرحله بعدی عالم برزخ است. زیارت اربعین سیدالشهداء علیه‌السلام از همان نخستین اربعین پس از شهادت حضرت، به‌عنوان ادبی دینی با زیارت جابر ابن عبدالله انصاری که از شخصیت‌های بزرگ و نام‌آور و بامعرفت نسبت به ولایت بود، پایه‌گذاری شد.

اما « زیارت اربعین » برای سیدالشهداء علیه‌السلام (چهل روز پس از عاشورا) فرمایش امام صادق علیه‌السلام است که آن حضرت در ضمن شمارش نشانه‌های مؤمن، زیارت اربعین را از جمله آن‌ها معرفی می‌کنند.

به‌هرتقدیر زیارت اربعین از همان بیستم ماه صفر سال ۶۱ قمری به‌عنوان سنتی دینی اقامه شد و در مقاطع مختلف تاریخی و متناسب با زمان و اوضاع سیاسی و اجتماعی روزگار، فرازها و فرودهایی را طی کرده است، اما همواره مورد توجه شیعیان و دلدادگان امام حسین علیه‌السلام بوده است.

۱. عده الداعی و نجاح الساعی، ص ۲۳۲.

در مقطع زمانی کنونی و به برکت انقلاب اسلامی ایران و بیداری در جهان اسلام و به‌ویژه در میان شیعیان، بزرگ‌ترین گردهمایی بشری در قالب حرکت زیارتی اربعین با جمعیتی میلیونی از زائرین شکل گرفته است که هرساله در ایام اربعین با پای پیاده از دور و نزدیک خود را به شهر مقدس کربلا می‌رسانند و این اتفاق مبارک با حضور پرشور و میزبانی عاشقانه و سخاوتمندانه شیعیان عراق، دربرگیرنده پیام‌های اخلاقی، عرفانی و سیاسی فراوانی برای دوست و دشمن است.

جام هفتم : اسناد اعتباربخشی به زیارت اربعین

۱. روایت امام صادق علیه السلام درباره پنج نشانه مؤمن؛

رَوَى عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ: صَلَاةٌ
إِحْدَى وَخَمْسِينَ وَتَغْيِيرُ الْجَبِينِ وَالتَّخْتُمُ بِالْيَمِينِ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ
الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۲

نشانه‌های مؤمن پنج چیز است:

۵۱ رکعت نماز، پیشانی به خاک ساییدن، انگشتر به دست راست کردن، زیارت اربعین و بلند گفتن بسم‌الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

۱. مؤلف «الهدایة» از علماء حنفی‌ها می‌گوید: آن چه تشریح شده انگشتر را به دست راست کردن است و لکن چون آن را رافضی‌ها (شیعه) بر خودشان شعار اخذ کرده‌اند، ما آن را در دست چپ قرار دادیم! نیز علامه زمخشری در «ربیع الابرار» گوید: اول کسی که انگشتر به دست چپ کردن را شعار اخذ کرد و بر خلاف سنت پیامبر صلی الله علیه و آله رفتار نمود، معاویه بود. (ر.ک: الغدير، ج ۱۰، ص ۲۱۰، ط ۲ تهران).

* عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام أَخْبَرْتَنِي عَنْ تَخْتُمِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِيَمِينِهِ لِأَيِّ شَيْءٍ كَانَ؟ فَقَالَ إِنَّمَا كَانَ يَتَخْتُمُ بِيَمِينِهِ لِأَنَّهُ إِمَامٌ أَصْحَابُ الْيَمِينِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله - وَقَدْ مَدَحَ اللَّهُ أَصْحَابَ الْيَمِينِ وَ لَمْ أَصْحَابَ الشَّمَالِ وَ قَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَتَخْتُمُ بِيَمِينِهِ وَ هُوَ عَلَامَةٌ لِشِبَعَتِنَا يُعْرَفُونَ بِهِ ...

ابی عمیر از امام کاظم علیه السلام سوال کرد، چرا علی علیه السلام انگشتر در دست راست می‌کردند؟ حضرت فرمودند: زیرا ایشان پیشوای اصحاب یمن پس از پیامبر اکرم بودند و به تحقیق خدای متعال اصحاب یمن را مدح نموده و اصحاب شمال را مذمت نموده است و حقیقت این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله انگشتر در دست راست می‌کردند و این کار علامتی است برای شیعیان ما که به آن شناخته می‌شوند.

به نظر می‌رسد علت اهمیت انگشتر در دست چپ نمودن نزد اهل سنت، از خدعه و نیرنگ عمرو بن عاص در قضیه حکمیت بعد از جنگ صفین نشان دارد؛ آنگونه که عمرو عاص انگشتر از دست راست در آورده و گفت اینگونه علی را بر کنار کردم و سپس آن را در دست چپش کرد و گفت اینگونه معاویه را به خلافت منصوب کردم، گویا کار عمرو عاص همچنان در مذاق اهل سنت شیرین و جذاب مانده است.

۲. عوالی الثالئی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۴، ص ۳۷.

۲. نقل زیارت‌نامه‌ای از امام صادق علیه السلام برای زیارت سیدالشهداء علیه السلام در اربعین؛
۳. ماجرای زیارت رفتن جابر ابن عبدالله انصاری به‌عنوان یکی از صحابه بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه عطیه عوفی با پای پیاده؛
۴. بازگشت اسرای کربلا برای زیارت سیدالشهداء علیه السلام در اربعین اول به نقل برخی از مورخین و علماء؛
۵. سیره متشرعه و تقید علماء و عرفا و اولیای الهی به زیارت سیدالشهداء علیه السلام در اربعین در طول تاریخ، آن‌هم با وجود همه مخالفت‌ها و مانع‌تراشی‌ها، تهدیدها، قتل‌ها و کارشکنی‌های خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس و دشمنان اهل‌بیت علیهم السلام از جمله حزب بعث و آل سعود.

جام هشتم : دو زیارتنامه برای زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین

در مجامع روایی و کتب ادعیه و زیارات، دو زیارتنامه برای اربعین نقل شده است.

زیارتنامه اول:

به نقل از صفوان بن مهران جمّال از مولانا جعفر بن محمد الصادق علیه السلام که متن این زیارتنامه در مفاتیح الجنان ذکر شده است^۱ و ما در پایان کتاب آن را نقل خواهیم کرد.

زیارتنامه دوم:

در برخی منابع به زیارتنامه دیگری برمی خوریم که عطا آن را از جابر بن عبدالله نقل کرده است. این زیارتنامه که به غُفیله نیز مشهور است، همان زیارتنامه سیدالشهداء علیه السلام در نیمه ماه رجب است که متن آن نیز در پایان کتاب خواهد آمد.

۱. البته این زیارتنامه در منابع روایی دیگری چون: اقبال الاعمال سیدبن طاووس و مصباح المتعجد شیخ طوسی نیز آمده است.

جام نهم: زیارت امام حسین علیه السلام و زیارت با پای پیاده و برهنه

در فرهنگ شیعه، زیارت راهکار ارتباط با امام و حضور در محضر او برای بیعت دوباره، معرفت افزایی، محبت افزایی و تعظیم شعائر الهی است. در بین پیشوایان دینی، بر زیارت امام حسین علیه السلام و اصحاب باوفای آن حضرت، بنا بر اسرار پنهان و آشکار بسیاری، حتی نسبت به دیگر امامان تأکید بیشتری شده و در مناسبت‌های گوناگون مذهبی به زیارت سیدالشهداء علیه السلام توصیه شده است.

عناوین باب‌های روایی در منابع شیعی، درباره زیارت سیدالشهداء علیه السلام عبارت است از:

۱. استحباب تکرار زیارت امام حسین علیه السلام؛
۲. استحباب رفتن زنان برای زیارت سیدالشهداء علیه السلام؛
۳. کراهت ترک زیارت سیدالشهداء علیه السلام؛
۴. استحباب نائب شدن از طرف دیگران در زیارت امام حسین علیه السلام؛
۵. استحباب زیارت امام حسین علیه السلام هرچند با ترس و اضطراب؛
۶. استحباب زیارت در امام حسین علیه السلام در همه زمان‌های مقدس و معنوی مانند: شب عرفه، روز عرفه، عید قربان، شب نیمه شعبان، شب قدر، اول ماه رجب، شب عاشورا، روز عاشورا، هر روز جمعه، روز اربعین و

۷. استحباب زیارت امام حسین علیه السلام با پای پیاده

علی بن میمون، از ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: ای علی! قبر حسین علیه السلام را زیارت کن و ترک مکن. عرض کردم: ثواب کسی که آن حضرت را زیارت کند، چیست؟ فرمود: کسی که پیاده زیارت کند، خداوند به هر قدمی که برمی دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می فرماید و یک درجه، مرتبه اش را بالا می برد و وقتی به زیارت رفت، حق تعالی دو فرشته را موکل او می فرماید که آنچه خیر از دهان او خارج می شود را نوشته و آنچه شر باشد را ننویسند و وقتی برگشت با او وداع کرده و به وی گویند: ای ولی خدا گناهانت آمرزیده شد و تو از حزب خدا و رسول او و حزب اهل بیت رسولش هستی و خداوند هرگز چشمانت را به آتش جهنم باز نمی کند و آتش نیز تو را هرگز نخواهد دید و تو را طعمه خود نخواهد نمود.^۱

۸. استحباب زیارت امام حسین علیه السلام با پای برهنه

همچنین در کنار تعبیر زیارت با پای پیاده، به روشی سخت تر، یعنی زیارت با پای برهنه (حافیاً) برمی خوریم که بر پاداش و آثار و برکات زیارت می افزاید:

۱. عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَيْمُونِ الصَّائِعِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَا عَلِيُّ ذُرِّ الْحُسَيْنَيْنِ وَ لَا تَدْعُهُ قَالَ قُلْتُ مَا لِمَنْ آتَاهُ مِنَ الثَّوَابِ؟ قَالَ مَنْ آتَاهُ مَا شِئِيَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ حَسَنَةً وَ مَحَا عَنْهُ سَيِّئَةً وَ رَفَعَ لَهُ دَرَجَةً فَإِذَا آتَاهُ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ مَلَكَئِينَ يَكْتُبَانِ مَا خَرَجَ مِنْ فِيهِ مِنْ خَيْرٍ وَ لَا يَكْتُبَانِ مَا يَخْرُجُ مِنْ فِيهِ مِنْ سَيِّئٍ وَ لَا غَيْرَ ذَلِكَ فَإِذَا انْصَرَفَ وَ دَعُوهُ وَ قَالُوا يَا وَلِيَّ اللَّهِ مَغْفُورٌ لَكَ أَنْتَ مِنْ حِزْبِ اللَّهِ وَ حِزْبِ رَسُولِهِ وَ حِزْبِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِهِ وَ اللَّهُ لَا تَرَى النَّارَ بَعَيْنِكَ أَبَدًا وَ لَا تَرَكَ وَ لَا تَطْعُمَكَ أَبَدًا بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۹۸، ص ۲۵.

أبي الصّامت گوید: از ابی عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند: کسی که پیاده به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود، خداوند متعال به هر قدمی که برمی دارد هزار حسنه برایش ثبت و هزار گناه از وی محو فرماید و هزار درجه مرتبه اش را بالا برد، سپس فرمودند: وقتی به فرات وارد شدی، ابتدا غسل کن و کفش هایت را آویزان نما و پای برهنه و مانند بنده ذلیل راه برو و وقتی به حائر رسیدی، چهار مرتبه تکبیر بگو، سپس اندکی حرکت کن، باز چهار بار تکبیر گفته و بعد به طرف بالای سر حضرت برو و در آنجا بایست و سپس چهار مرتبه تکبیر بگو و نزد قبر نماز بخوان و از خداوند متعال حاجت خود را بخواه.^۱

۱. عَنْ أَبِي الصَّامِتِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَهُوَ يَقُولُ مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ فَإِذَا أَتَيْتَ الْفُرَاتَ فَاعْتَسِلْ وَعَلِقْ نَعْلَيْكَ وَامْشِ حَافِيًا وَامْشِ مَشَى الْعَبْدِ الذَّلِيلِ فَإِذَا أَتَيْتَ بَابَ الْحَائِرِ فَكَبِّرْ أَرْبَعًا ثُمَّ امْشِ قَلِيلًا ثُمَّ كَبِّرْ أَرْبَعًا ثُمَّ امْشِ رَأْسَهُ فَقِفْ عَلَيْهِ فَكَبِّرْ أَرْبَعًا [فَكَبِّرْ وَصَلِّ عِنْدَهُ وَاسْأَلْ] وَصَلِّ أَرْبَعًا وَاسْأَلِ اللَّهَ حَاجَتَكَ. كامل الزيارات، النص، ص ۱۳۳.

جام دهم : شناسنامه شخصی و خانوادگی امام حسین علیه السلام در زیارت اربعین

در بسیاری از زیارت‌نامه‌ها، ضمن ابلاغ سلام و عرض ادب و ارادت به محضر اهل بیت علیهم السلام ، به معرفی خانوادگی و شناسنامه شخصی آنان نیز پرداخته شده است تا در گام نخست زیارت، کمترین شناخت زائر به کیستی مزور حاصل آید.

در زیارت‌نامه سیدالشهداء علیه السلام نیز این‌گونه به مشخصات شناسنامه‌ای آن حضرت اشاره شده است.

نام : **السلام علی الحسین**

نام جدّ: **السلام علیک با ابن رسول الله**

نام پدر: **السلام علیک یا ابن سیدالأوصیاء**

همچنین در تعبیری چون:

«**ولیک وابن ولیک**»،

«**صقیک وابن صقیک**»،

«**امین الله و ابن امینه**»،

«**اشهد انّ الأئمّة من ولدک**»

به نسبت‌های خانوادگی و شرافت‌های وجودی آن حضرت اشاره شده است.

جام یازدهم : ذکر چهل شایستگی امام حسین علیه السلام در زیارت اربعین

در زیارت‌نامهٔ اربعین، چهل صفت برجسته از صفات والای سید الشهداء علیه السلام ذکر شده است تا زائر با شناخت بیشتری نسبت به صفات والای آن حضرت، به زیارت مشرف شود؛ این صفات که یا در قالب عرض سلام و یا شهادت دادن است، عبارت‌اند از:

۱. ولیّ خدا (ولیّ الله)
۲. دوست‌دار خدا (حبیب الله)
۳. دوست خدا (خلیل الله)
۴. ارزشمند نزد خدا (نجیب الله)
۵. برگزیدهٔ خدا (صفیّ الله)
۶. فرزند برگزیدهٔ خدا (ابن صفیّ الله)
۷. محصور در سختی‌ها (اسیرالکربّات)
۸. مورد ستم واقع شده (مظلوم)
۹. کشته اشک‌ها (قتیل العبرات)
۱۰. رستگار شده به کرامات الهی (الفائز بکرامتک)
۱۱. گرمای داشته شده بواسطهٔ شهادت (اکرمته بالشهادة)
۱۲. صاحب سعادت (حبّوْتُهُ بالسعادة)
۱۳. دارای ولادت پاک (إجتیبته بطیب الولادة)
۱۴. دارای مقام سیادت (و سیداً من السادة)
۱۵. امیر و فرمانده (قائد)
۱۶. شریف و بزرگوار (ذائد)
۱۷. وارث پیامبران (اعطیته موارث الأنبياء)
۱۸. حجّت خدا بر مردم (حجّة الله علی الخلق)

۱۹. مبارز در راه (مجاهد)
۲۰. مقاوم خستگی ناپذیر (صابر)
۲۱. معامله‌گر با خدا (محتسب)
۲۲. امانت‌دار خدا (أمین)
۲۳. صاحب زندگی سعادت‌مندان (عشت سعیداً)
۲۴. عبور تحسین‌برانگیز از دنیا (مَضیت حمیداً)
۲۵. شهادت مظلومانه (متّ فقیداً مظلوماً)
۲۶. وفا کننده به عهد الهی (اشهد انک وفتّ بعهدالله)
۲۷. دارای مادرانی پاک (کنت نوراً فی الارحام المطهرة)
۲۸. دارای پدرانی پاک (کنت نوراً فی الاصلاب الشامخة)
۲۹. پاکیزه از آلودگی‌های شرک (لم تنجسک الجهالیة بأنجاسها)
۳۰. ستون دین (من دعائم الدین)
۳۱. حامی مسلمین (و أركان المسلمین)
۳۲. پناهگاه مؤمنین (معقل المؤمنین)
۳۳. نیکوکار (البرّ)
۳۴. باتقوا (التّقی)
۳۵. راضی به رضای خدا (الرّضی)
۳۶. پاک سرشت (الزّکی)
۳۷. هدایتگر (الهادی)
۳۸. هدایت یافته (المهدی)
۳۹. پدر امامان نه‌گانه (اشهد أن لأئمة من وُلدک)
۴۰. مشمول درود الهی (صلوات الله علیکم)

جام دوازدهم: سلام کلید ارتباط

در زیارت اربعین در هفت مرحله بر امام حسین علیه السلام سلام داده می‌شود؛ تکرار این سلام‌ها به نشانه آغاز آشنایی و آشتی و ارتباط و درخواست ارتباط دائمی و شوق حضور همیشگی در محضر سیدالشهداست؛ هر یک از این سلام‌ها، موجب برقراری ارتباط متقابل می‌شود و معنایی خاص دارد.

گاهی **سلام** به معنای درخواست ارتباط و توجه است؛

گاهی **سلام** به معنای ابراز محبت و ارادت است؛

گاهی **سلام** به معنای گشودن بابی برای آشنایی بیشتر با امام حسین علیه السلام است؛

گاهی **سلام** به معنای درخواست پاسخی مشفقانه است؛

گاهی **سلام** نشانه بیعت مجدد با ولی خداست؛

گاهی **سلام** و تکرار آن به احساس حضور از نزدیک و ابراز علاقه وافر به مولاست؛

و گاهی یک سلام حاوی همه این معانی است. سلام‌های هفتگانه زیارت اربعین عبارت‌اند از :

السَّلَامُ عَلَىٰ وَلِيِّ اللَّهِ وَ حَبِيبِهِ

السَّلَامُ عَلَىٰ خَلِيلِ اللَّهِ وَ نَجِيبِهِ

السَّلَامُ عَلَىٰ صَفِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ صَفِيِّهِ

السَّلَامُ عَلَىٰ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ

السَّلَامُ عَلَىٰ أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَ قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ

جام سیزدهم: شهادت نه گانه در زیارت اربعین

در زیارت اربعین نه عبارت پرمحتوا با کلیدواژه «أشهد» وجود دارد که نشان از معرفت والای زائر نسبت به امام حسین علیه السلام در حد معرفت شهودی دارد؛ زیرا شهادت در لغت عبارت است از معرفت و علم همراه با مشاهده، یا با چشم سر (بصر) و یا با چشم دل (بصیرت)؛^۱ براین اساس شهادت زائر به مقامات سیدالشهداء علیهم السلام به معنای معرفتی حسّی در برابر معرفت حدسی است، به گونه‌ای که گویا زائر همه معانی زیارت‌نامه اربعین را دیده و به صورت عمیق و عارفانه آن را درک کرده است. این شهادت عبارت‌اند از:

۱. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ وَصَفِيُّكَ وَابْنُ صَفِيِّكَ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ
۲. أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ عِشْتَ سَعِيدًا وَمَضَيْتَ حَمِيدًا وَمَتَّ قَقِيدًا مَظْلُومًا شَهِيدًا
۳. وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ وَمُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ
۴. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَقَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينَ
۵. أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ [الطَّاهِرَةِ] لَمْ تُنَجَّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبَسْكَ الْمُدَاهِمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا
۶. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ
۷. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ
۸. وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَآغْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا.
۹. وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِبِائِبِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي

۱. مفردات راغب، ص ۴۶۵.

جام چهاردهم: اهداف نهضت امام حسین علیه السلام از منظر زیارت اربعین

آگاهی از اهداف نهضت سیدالشهداء علیه السلام و ابعاد وجودی آن و شناخت ماهیت بی نظیر قیام عاشورائیان از لازم ترین دانستنی‌ها در موضوع حماسه کربلاست.

در لابه‌لای عبارات زیارت اربعین، به برخی از اهداف والای قیام امام حسین علیه السلام اشاره شده است که واکاوی این اهداف، از چند ماهیتی و چند هدفی بودن این نهضت مقدس پرده برمی‌دارد.

اهداف قیام سیدالشهداء علیه السلام در نگاهی کوتاه به دو دسته هدف تقسیم می‌شود:

هدف عالی: اعتلای توحید

وَبَدَلَ مَهْجَتَهُ فَيْكَ ، و خون خودش را برای تو فدا کرد.

و جاهدهم فیک ، و با دشمنان برای تو جهاد کرد.

هدف متوسط: هدایتگری

۱. نجات بندگان خدا از جهالت علمی و ضلالت عملی

بَدَلَ مَهْجَتَهُ فَيْكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ خَيْرَةَ الضَّلَالَةِ

و جانش را در راه تو بذل کرد، تا بندگان را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند،

۲. مبارزه با منافقین و پیروان دنیاپرست آن‌ها

وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مِنْ غَرَّتِهِ الدُّنْيَا وَ بَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْدَلِ الْأَذَى وَ شَرَى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ وَ تَغَطَّرَسَ وَ تَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَ أَسْخَطَكَ وَ أَسْخَطَ نَبِيَّكَ، وَ أَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاةِ وَ النَّفَاقِ وَ حَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ [لِلنَّارِ] فَجَاهَدَهُمْ فَيْكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ وَ اسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ

علیه او به کمک هم برخاستند، کسانی که دنیا مغرورشان کرد و بهره واقعی خود را به فرومایه تر و پست تر چیز فروختند و آخرتشان را به کمترین بها به گردونه فروش گذاشتند، تکبر کردند و خود را در دامن هوای نفس انداختند، تو را و پیامبرت را به خشم آوردند، پس (امام حسین علیه السلام) با آنان درباره تو صابرا نه و به حساب تو جهاد کرد، تا در طاعت تو خورش ریخته شد و حریمش مباح گشت.

جام پانزدهم : نجات از گمراهی عملی و ضلالت

ضلالت به معنای گمراهی و خطایی عملی و نتیجه خطاهای علمی است.

مفاسد حکومتی در دوران خلافت و پس از آن در دوران امویان، امت اسلامی را به قحطی معارف و فراوانی خطاها و ردائیل بیشمار گرفتار کرد و سبب بروز مشکل جهالت علمی و ضلالت عملی گردید.

بزرگ‌ترین خطای گمراهان در عصر امامت امام حسین علیه السلام، گرفتار شدن در کج‌راهه اسلام منافقین و امویان و انتخاب کج‌راهه ولایت جبت و طاغوت و فاصله گرفتن از شاهراه هدایت غدیر و غدیریان بود.

بنی‌امیه با شعار اسلام و ادعای اسلام‌خواهی و فریب مردم، آنان را به گمراهی کشاندند تا آنجا که مردم آماده پذیرش حکومت حاکمی فاسد مانند یزید شراب‌خوار و سگ‌باز و شهوت‌رانی شدند که خود را امیرالمؤمنین می‌خواند و این ضلالت و گمراهی آن‌چنان عمیق و خطرناک بود که جز با جهادی مظلومانه و خونین، راهی برای بیدار کردن مردم باقی نمانده بود. امام حسین علیه السلام با انقلاب و نهضت خویش و رسوا کردن امویان، صراط مستقیم امامت و مسیر صحیح تا رسیدن به خدا را فرا روی امت قرار داد و با نثار خون خود و یاران و خاندان خویش، راهی روشن برای نیل به اهداف توحیدی برای همگان در طول تاریخ گشود و عبارت:

«بذل مهجته فیک لیستتقد عبادک من الجهالة و حيرة الضلالة»

نیز ناظر به همین جان‌فشانی آن حضرت است؛

این گمراهی عملی همچنان گریبان‌گیر انسان در عصر حاضر است. امروزه بیش از چهار هزار فرقه انحرافی و مکاتب دست‌ساخته بشری و صدها حکومت و حاکمیت جعلی و منحرف، با ادعای برتری بر دین و مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام بر اندیشه و دل‌ها و زندگی مردم دنیا حکومت می‌کنند و همه ثروت‌های عمومی و منابع اقتصادی و انسانی و ناموس و رسانه‌های تبلیغاتی در چنگال استعمار آنهاست.

با این‌همه هرگز نباید فراموش کرد که تنها راه نجات و رسیدن به هدف و نجات از گمراهی عملی، تمسک به مرام و مکتب نورانی سیدالشهداست.

جام شانزدهم: نجات از جهالت علمی و جهالت سیاسی

جهالت علمی و ضعف عقلانیت از بدترین زشتی‌های اخلاقی است. انسان‌های مبتلا به جهالت، گرفتار حوادث و آسیب‌های فراوانی می‌شوند که تسلیم شدن در برابر هر نوع حاکمیت و زمامداری، یکی از آن‌هاست. مردم جاهل، مقدرات سیاسی و سرنوشت اجتماعی خویش را به دست هر حاکم ظالمی می‌سپارند و یا در برابر ظلم حکومت جور ساکت‌اند و یا در صف حامیان چنین حکومتی قرار دارند.

در زیارت اربعین می‌خوانیم:

و بذل مهجته فیک لیستقذ عبادک من الجهالة و من حيرة الضلالة

و خون خود را در راه تو فدا کرد تا بندگان را از جهالت و سرگردانی گمراهی نجات دهد.

امام حسین علیه السلام با هدایتگری و بذل خون خویش و عزیزان خویش در روز عاشورا کوشید تا جهالت علمی و عملی و سیاسی را از زندگی مسلمانان آن عصر و بلکه مسلمین طول تاریخ بزدايد و اندیشه آنان را به گوهر بصیرت و فهم اخلاقی و سیاسی زینت بخشد.

بزرگ‌ترین مشکل مردمان معاصر سیدالشهداء علیه السلام جهالت سیاسی و اخلاقی آن‌ها بود، زیرا آنان پذیرفته بودند پس از معاویه، حاکمیت زمامداری فاسد و ستمگر چون یزید را بپذیرند و با او دست بیعت دهند؛ یزیدی که امام حسین علیه السلام درباره او فرمود:

و یزید رجُلٌ فاسقٌ شارِبُ الخمرِ قاتِلُ النفسِ المحرّمةِ معْلَنٌ بالنسقِ و مثلی لا یبایع

مثله

و یزید مردی گنه پیشه و شرابخوار و قاتل انسان‌های بی‌گناه است که آشکار
معصیت می‌کند و چون من با چون او بی‌بیعت نمی‌کند.

امام حسین علیه‌السلام پس از آنکه مردم را اسیر حکومتی چون
حکومت یزید دید و دریافت مردمان زمانه، در دریای جهالت و
سفاهت غرق‌اند، با بذل خون خود و عزیزترین یاران و
خانواده‌اش، به تأسیس مدرسه و مکتب آزادگی همت گمارد تا
شاگردان خویش را در همه تاریخ، درس آزادگی، معرفت،
بصیرت و عقلانیت دهد.

اقسام جهالت‌های مردم در دوره امامت امام حسین علیه‌السلام

۱. **جهالت دینی:** معاوضه معارف قرآنی با افسانه‌های

دروغین و قصه‌های کذب؛

۲. **جهالت اخلاقی:** گرفتار شدن به انواع مفاسد مانند:

شراب‌خواری، شهوت‌رانی، مال‌اندوزی و ...؛

۳. **جهالت اعتقادی:** گرفتار شدن در تفکر جبرگرایی،

مرجئه‌گری، ضعف مبانی توحیدی و انکار معاد؛

۴. **جهالت سیاسی:** بی‌بصیرتی در شناخت رهبر و انتخاب

نظام سیاسی و معاوضه حضرت علی علیه‌السلام و امام

حسن علیه‌السلام با معاویه و راضی شدن به حکومت یزید

به‌جای امام حسین علیه‌السلام.

جام هفدهم: مکتب تقدیه

تقدیه از جمله اصول مکتب فکری امام حسین علیه السلام بود. تقدیه، به معنای فدا شدن در مسیر آرمان‌های توحیدی است. سنت تقدیه یادگار ابراهیم خلیل است که مأمور به ذبح فرزندش اسماعیل شد و در بیان این مأموریت الهی به اسماعیل گفت:

﴿قَالَ يَا بَنِيَّ إِنِّي آرى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ﴾^۱

ای فرزندم در خواب چنین می‌بینم که تو را سر می‌برم

و چون از این امتحان ظاهری سربلند بیرون آمد، خداوند قوچی را از بهشت به جای اسماعیل برای ذبح شدن فرستاد. قرآن در این خصوص می‌فرماید: ﴿و فِدْيَانَهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ﴾^۲

و اسماعیل را در ازای قربانی بزرگی از ذبح شدن رهانیدیم.

اما امام حسین علیه السلام که امتحانی به مراتب سخت‌تر از حضرت ابراهیم علیه السلام داشت، به ذبح خود و فرزندان و برادران و یارانش رضایت داد و تسلیم امر حکیمانه و مشیت الهی شد، همان مشیتی که پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از این گونه از تحققش خبر داد که:

ان الله شاء ان يراك قتيلاً

مکتب امام حسین علیه السلام مکتب فدا کردن جان و مال و فرزند و اهل و عیال و همه هستی خود برای رضای خدا و هدایت خلق است؛ حقیقتی که در زیارت اربعین در بیانش آمده است:

و بَدَلٌ مُّهِجَتُهُ فَيْكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ

۱. صافات، ۱۰۲.

۲. صافات، ۱۰۷.

و جانش را در راه تو بذل کرد، تا بندگان را از جهالت و سرگردانی
گمراهی برهاند،

عاشقان و پیروان مکتب تقدیه نیز، از آموزه‌های والای این
مکتب تأثیر پذیرفته و با شعار: «بأبی أنتم و أمی و نفسی و مالی و
أسرتی»^۱ همه هستی خویش را برای دفاع از حریم توحید و ولایت
در طبق اخلاص نهاده و تقدیم دوست می‌کنند.

در زیارت اربعین زائر با تکرار و تمرین لفظی شعار تقدیه
یعنی: «بابی انت و أمی» خود را برای عملی کردن اصل تقدیه آماده
می‌کند.

امام رضا علیه السلام برای بهره‌مندی از ثواب شهادت و جهاد در
رکاب سید الشهداء علیه السلام به ابن شیبب فرمودند:

يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ سَرْكَ أَنْ تَكُونَ لَكَ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا لِمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ الْحُسَيْنِ
عليه السلام فَقُلْ مَتَى مَا ذَكَرْتَهُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً^۲

ای ابن شیبب! اگر دوست داری ثوابی مانند ثواب کسانی که
همراه حسین بن علی علیه السلام شهید شدند، داشته باشی، هرگاه به
یاد او افتادی بگو: «ای کاش با آنان می‌بودم و به فوز عظیم
می‌رسیدم.»

آری شهادت فوزی بزرگ و کرامتی والاست که در زیارت
أربعین هم به این فوز اشاره شده است:

الفائز بکرامتک اکرمته بالشهادة

۱. زیارت جامعه، الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۲.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۰۰.

جام هجدهم: مکتب محنت حسینی (کدح و کرب ارزشی)

قال الله تعالی:

﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَّاقِيهِ﴾^۱

ای انسان، حَقّاً که تو به سوی پروردگار خود بسختی در تلاشی، و او را ملاقات خواهی کرد.

محنت پذیری آرمانی و ظرفیت والا و بی نظیر تحمل بلاها و مصیبت‌ها در راه خدا، از ویژگی‌های مکتب و نهضت امام حسین علیه السلام است.

کرب و بلا پیش از آنکه نامی برای سرزمینی باشد، مفهومی نمادین و سبکی برای زندگی آرمانی است که ریشه در نهضت سیدالشهداء علیه السلام دارد؛ این مکتب و این سبک زندگی، درست در نقطهٔ مقابل مکتب لذت محور غربی و سبک زندگی دست‌ساخته دنیاطلبان است.

مکتب امام حسین علیه السلام به تعبیری، باطل السحرّ مکتب لذت محور غرب و تربیت‌کننده انسان‌هایی آخرت‌گرا و بلا خواه در راه خداست که می‌گوید:

گر مرد رهی میان خون باید رفت
از پای فتاده سرنگون باید رفت

در زیارت اربعین در تأیید مکتب محنت حسینی، شواهد متعددی وجود دارد، از جمله:

۱. انشقاق، ۶.

۱. مظلومیت قهرمانانه و انتخاب سخت‌ترین شکل
شهادت خود و عزیزان خود،

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ

۲. قبول همه اقسام سختی‌ها و مصائب و کشته دریای
اشک‌ها

السَّلَامُ عَلَى أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَ قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ

۳. اهداء خون پاک قلب خود به خدا

وَ بَدَلَ مُهْجَتِهِ فَيْكَ

۴. محاصره شدن از سوی فریفتگان دنیا

وَ قَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا

۵. جهاد پیوسته و صابرا نه و خالصانه حتی به قیمت از
دست دادن جان و اسارت خانواده

فَجَاهَدَهُمْ فَيْكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى سُنِّكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَ اسْتَبِيحَ حَرِيمُهُ

جام نوزدهم: منطق و شیوه امام حسین علیه السلام در برابر دشمن از منظر زیارت اربعین

سید الشهداء علیه السلام و سربازان و فدائیان آن حضرت علاوه بر انتخاب اهدافی والا و آرمانی، برنامه‌ها و روش‌های ویژه‌ای برای مقابله با سربازان یزیدی و تأثیرگذاری بر آن‌ها و بلکه ایجاد نهضتی حماسی و ظلم‌ستیز برای نسل‌های آینده و انسان‌های آزادی‌خواه داشتند، در زیارت اربعین می‌خوانیم:

وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ فَأَعَذَّرَ فِي الدُّعَاءِ وَ مَنَحَ التُّصْحَ وَ بَدَّلَ
مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْفِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ... فَجَاهِدْهُمْ فِيكَ صَابِرًا
مُحْتَسِبًا

و او را از میان جانشینان حجّت بر بندگان قرار دادی و در دعوتش جای عذری باقی نگذاشت و از خیرخواهی دریغ نورزید و جانش را در راه تو بذل کرد، تا بندگان را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند، پس با آنان درباره تو صابرا نه و به حساب تو جهاد کرد.

بر اساس این بخش از زیارت اربعین، سید الشهداء و یاران با وفای ایشان از پنج شیوه برای هدایت انسان‌ها استفاده کردند:

۱. دعوت و اعذار در دعوت (فَأَعَذَّرَ فِي الدُّعَاءِ)

اولین شیوه هدایتگری و نجات بخشی سیدالشهداء علیه السلام، شیوه دعوت روشنگرانه مردم به طاغوت ستیزی و پرهیز از پذیرش اسلام اموی به جای اسلام علوی است.

این روش، اصلی قرآن برای هدایت انسان‌هاست، چنانچه خدا به پیامبرش می‌فرماید:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾^۱

با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای. در حقیقت، پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده داناتر، و او به [حال] راه‌یافتگان [نیز] داناتر است.

این شیوه پیامبرانه، نه فقط از سوی سیدالشهداء علیه السلام که از سوی همه سربازان آن حضرت، پیش از استفاده از شمشیر و جهاد، انتخاب شد و حتی اسرای از اهل بیت علیهم السلام در کوفه و شام نیز، با استفاده از منطقی گویا و فراخوانی اندیشه‌ها و دل‌ها به سوی خدا، با همگان اتمام حجت کردند.

۲. خیرخواهی کامل (مَنْحَ النَّصْحِ)

شیوه دوم امام حسین علیه السلام و یاران ایشان در هدایتگری که تکمیل‌کننده شیوه دعوت است، شیوه خیرخواهی است. همه پیامبران و اولیای الهی در زمره ناصحین و خیرخواهان بندگان خدا بودند. نصح به معنای خیرخواهی دلسوزانه همراه با تحمل همه آزارهاست و ناصح با حضور مستقیم میان مردم، تمام سختی‌های راه هدایت خلق را به جان می‌خرد.

چنانچه پیامبران الهی از این شیوه برای دعوت به سوی خدا بهره می‌بردند؛ پیامبرانی مانند:

نوح:

﴿أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَ أَنْصَحُ لَكُمْ وَ أَعْلَمُ مِنْ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾^۲

۱. نحل، ۱۲۵.

۲. اعراف، ۶۲.

پیام‌های پروردگرم را به شما می‌رسانم و اندرزتان می‌دهم و چیزهایی از خدا می‌دانم که [شما] نمی‌دانید.

هود:

أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ^۱

پیام‌های پروردگرم را به شما می‌رسانم و برای شما خیرخواهی امینم.

صالح:

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ^۲

پس [صالح] از ایشان روی برتافت و گفت: «ای قوم من، به راستی، من پیام پروردگرم را به شما رساندم و خیر شما را خواستم ولی شما خیر خواهان [و نصیحتگران] را دوست نمی‌دارید.»

۳. جان‌فشانی (و بَدَلَ مَهْجَتَهُ فَيْك)

شیوه سوم سیدالشهداء علیه السلام و اصحاب جان‌برکف ایشان برای هدایت‌گری، شهادت‌طلبی و بذل خون پاک خود برای آبیاری نهال ایمان و سرکوب ستمگران و منحرفین است؛ آن حضرت با استفاده از منطق پیروزی خون بر شمشیر در مرحله پس از دعوت و خیرخواهی، خود و یاران خویش را در معرض سخت‌ترین مشکلات و بلاها قرار داد.

۴. جهاد خستگی‌ناپذیر (فَجَاهِدْهُمْ فَيْك، جاهدت فی سبيله)

تلاش خستگی‌ناپذیر و جهادی و مبارزه مسلحانه از شیوه‌های دیگر امام حسین علیه السلام و یاران ایشان بود؛ شیوه‌ای که

۱. اعراف، ۶۸.

۲. اعراف، ۷۹.

در طول تاریخ، انبیاء و اولیاء با استفاده از آن به پیروزی‌های افتخارآمیزی دست یافتند.

۵. استقامت و صبوری (فَجَاهِدْهُمْ فَيَكُ صَابِرًا مُخْتَسِبًا)

شیوه صبر و استقامت، یعنی مقاومت و پذیرش بلاها و مشکلات و داشتن صبر فردی و جمعی و توصیه یاران به صبر؛ این شیوه در بندگی، شیوه‌ای عارفانه و خالصانه و بسیار تأثیرگذار برای پایداری در آرمان‌هاست.

صبر و مقاومت سخت‌ترین اوضاع را برای انسان آسان و شیرین می‌کند؛ در زیارت اربعین نیز به این روش بندگی به‌عنوان شیوه‌ای کارآمد در برابر دشمنان و مشکلات اشاره شده است :

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از شکیبایی و نماز یاری جوید؛ زیرا خدا با شکیبایان است.

﴿وَكَايْنٍ مِّنْ نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِثْيُونًا كَثِيرًا مَّا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾^۲

و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه، کارزار کردند و در برابر آنچه در راه خدا بدیشان رسید، سستی نوزیدند و ناتوان نشدند و تسلیم [دشمن] نگردیدند و خداوند، شکیبایان را دوست دارد.

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾^۳

۱. بقره، ۱۵۳.

۲. آل عمران، ۱۴۶.

۳. انفال، ۶۵.

ای پیامبر، مؤمنان را به جهاد برانگیز. اگر از [میان] شما بیست تن، شکیباً باشند بر دویست تن چیره می‌شوند و اگر از شما یک‌صد تن باشند بر هزار تن از کافران پیروز می‌گردند، چرا که آنان قومی اند که نمی‌فهمند.

۶. احتساب (فَجَاهِدْهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا)

احتساب در اصطلاح به معنای انجام کار خیر به قصد خدا و طلب پاداش از خدا و نخواستن پاداش از غیر خداست.

یکی از صفات بارز و کلیدی سیدالشهداء علیه السلام و یاران ایشان، بهره‌مندی از ویژگی احتساب است؛ این صفت علاوه بر خداواری، به معادباوری و یقین به راستی و درستی وعده‌های الهی درباره پاداش جهاد و صبر، نیاز دارد؛ وجود این صفت، مجاهدین و مؤمنین را از چشم‌داشت به مال مردم و پاداش خواهی دنیایی از دیگران باز می‌دارد و به خدا و نظام پاداش بخشی او متوجه می‌کند و یا به تعبیر قرآن :

﴿إِنَّمَا نَطْعِنُكُمْ لِرُوحِهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا﴾^۱

ما برای خشنودی خداست که به شما می‌خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم.

در زیارت حضرت ابوالفضل علیه السلام می‌خوانیم:

يَا ابْنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَ التَّصَدِيقِ وَ الْوَفَاءِ وَ النَّصِيحَةِ لِخَلْفِ النَّبِيِّ
الرُّسُلِ وَ السُّبْطِ الْمُنْتَجَبِ وَ الدَّلِيلِ الْعَالِمِ وَ الْوَصِيِّ الْمُبْلَغِ وَ الْمَظْلُومِ الْمُهْتَضَمِ فَجَزَاكَ
اللَّهُ عَنْ رَسُولِهِ وَ عَنْ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ عَنْ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ بِمَا
صَبَرْتَ وَ اخْتَسَبْتَ وَ أَعْنَتْ^۲

۱. انسان، ۹.

۲. کامل‌الزیارات، النص، ص ۲۵۶.

ای فرزند امیرالمؤمنین، شهادت می‌دهم که تو تسلیم فرزند نبی مرسل و سبط برگزیده پیامبر و راهنما و عالم و جانشین مبلّغ و مظلوم ستم دیده بوده و او را تصدیق داشته و در مقام وفا و خیرخواهی او بودی، پس خدا از طرف رسولش و امیرالمؤمنین و حسن و حسین صلوات الله علیهم اجمعین بالاترین پاداش‌ها را به تو داده و به واسطه صبر و بردباری که در این راه نمودی و آزمایش و امتحانی که دادی و رنج و مشقتی که متحمل شدی، عالی‌ترین اجرها را نصیب تو نماید.

رهبر معظم انقلاب در حفظ این حالت در فضای فرهنگی انقلاب اسلامی به منظور حفظ فرهنگ جهاد و شهادت می‌فرمایند:

« این مفاهیم بالارزش مثل مفهوم جهاد، مفهوم شهادت، مفهوم شهید، مفهوم خانواده‌ی شهید، مفهوم صبر برای خدا، احتساب لله باید زنده بماند.»^۱

۱. بیانات در دیدار اعضای ستاد کنگره شهدای استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳/۷/۱۳۹۴

جام بیستم: پیشوایان جریان باطل و شیوه‌های تسلط آن‌ها

قرآن کریم در بیان شیوه سلطه‌گری فرعون می‌فرماید:

﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ
وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾^۱

فرعون در سرزمین [مصر] سر برافراشت و مردم آن را طبقه طبقه ساخت؛ طبقه‌ای از آنان را زبون می‌داشت؛ پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را [برای بهره‌کشی] زنده بر جای می‌گذاشت، که وی از فسادکاران بود.

در طول تاریخ سیاست‌بازان با شیوه فرعونی اختلاف‌افکنی میان مردم و دسته‌بندی و گروه‌بندی و تقسیم آن‌ها به حزب‌های مختلف، سبب ایجاد شقاق و شکاف میان مردم می‌شوند و با مشغول کردن آن‌ها به موضوعات پوچ و اختلاف‌برانگیز و آنگاه سوءاستفاده از این وضعیت به اهداف شوم خود می‌رسند و به تعبیری با گل‌آلود کردن آب، به دنبال صید ماهی هستند.

پیشوایان جبهه باطل، همیشه به دنبال تفرقه‌افکنی و ایجاد التهابات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، و فرهنگی هستند، زیرا در پرتو همین اختلافات است که مردم از محور توحید و ولایت دور شده و دچار سرگردانی می‌شوند و در چنین حالتی وسیله‌ای برای تحقق اهداف نامشروع طاغوت‌ها به شمار می‌آیند و این درست نقطه مقابل تلاش اولیای الهی است که

۱. قصص، ۴.

همواره می‌کوشند مردم را به اتحاد و انسجام و وحدت کلمه دعوت کنند.

در زیارت اربعین آمده است که توده‌های مستضعف و پیروان فریب‌خورده جبهه باطل، از اهل شقاق و اختلاف افکنان و نفاق پیروی می‌کنند.

﴿وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشُّقَاقِ وَالنَّفَاقِ﴾

و (پیروان فریب‌خورده) اطاعت کردند از میان بندگان، از اهل شکاف افکنی و نفاق.

جام بیست و یکم: قداست زدایی، خشونت، حرمت‌شکنی؛ مشخصه اسلام اموی

حرمت‌شکنی، قداست زدایی و عادی جلوه دادن مقامات اولیای الهی و احکام دین، از جمله شیوه‌های دشمن برای خدشه‌دار کردن اعتبار و جایگاه اجتماعی اولیای الهی و تعدی به حریم آن‌ها و براندازی جبهه حق و سرکوبی اهل حق به شمار می‌آید؛

این شیوه دست‌مایه دشمنان خدا برای از میدان به در کردن اولیاء و بی‌اثر کردن فعالیت‌های آن‌ها و حتی زمینه‌ای برای تبعید، اسارت، آزار و کشتن آن‌هاست و این در حالی است که خداوند متعال برای قرآن، کعبه، مسجد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امامان علیهم السلام و حتی مؤمنین حریم و حرمت فوق‌العاده‌ای قائل شده و قوانین و آدابی را برای برقراری ارتباط با ایشان وضع کرده است.

منافقین در صدر اسلام برای کنار زدن اهل‌بیت علیهم السلام از مقامات سیاسی و قطع ارتباط آنان با مردم، با استفاده از شیوه حرمت‌شکنی و تقدس زدایی از اهل‌بیت علیهم السلام روی آوردند و به همین منظور در خانه حضرت زهرا علیها السلام را به آتش کشیدند و سپس با انواع توهین به حضرت زهرا علیها السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام در حق اهل‌بیت علیهم السلام جفایی عمومی روا داشتند؛ آنگاه سب و لعن امیرالمؤمنین علیه السلام را رسمیت دادند و حرمت‌شکنی در حق خاندان رسول الله صلی الله علیه و آله را به اوج رساندند.

در زیارت اربعین می‌خوانیم که دشمنان در برابر جهاد سید الشهداء، خون آن حضرت را ریختند و حرمت خانواده‌اش را شکستند:

فَجَاهَدْتُمْ فَيْكُ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى سَفَكَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ وَ اسْتَبِيحُ حَرَبِيصَهُ

(خدایا) پس در راه تو با دشمنانت جهاد کرد و در این راه صبر پیشه کرد و پاداش جهادش را به حساب تو گذاشت تا آنکه در راه طاعت تو خونش ریخته و حریمش مباح شد.

فهرست انواع حرمت‌شکنی‌ها علیه سیدالشهداء علیه‌السلام و یاران ایشان:

۱. سلب امنیت جانی از حضرت؛
۲. طرح ترور امام حسین علیه‌السلام در چندین نوبت؛
۳. تعقیب نظامی حضرت و اصحاب و خانواده ایشان از شهری به شهر دیگر؛
۴. بستن راه کوفه بر حضرت؛
۵. تبلیغات منفی و لعن و سب حضرت؛
۶. بستن آب بر حضرت و یاران و خانواده او؛
۷. کشتن حضرت و اصحاب ایشان؛
۸. دفن نکردن بدن سیدالشهداء علیه‌السلام و شهدای کربلا پس از شهادت ایشان؛
۹. جسارت‌های لفظی متعدد به حضرت؛
۱۰. راندن اهل بیت علیهم‌السلام از خانه و کاشانه خود.

فهرست انواع حرمت‌شکنی‌ها علیه خانواده حضرت:

۱. سلب امنیت جانی از خانواده حضرت؛
۲. بستن آب بر آن‌ها؛
۳. حمله به خیمه‌های خانواده حضرت؛
۴. ربودن متاع‌ها و لباس‌ها و دارایی‌های اهل بیت علیهم‌السلام؛
۵. به اسارت بردن خانواده حضرت؛
۶. انتقال اسیران از کربلا به کوفه و شام در طول چهل منزل و گرداندن آن‌ها در شهر شام به‌عنوان اسیر؛
۷. توهین به اهل بیت علیهم‌السلام در طول اسارت؛
۸. شادی و پای‌کوبی در عزای اهل بیت علیهم‌السلام؛
۹. تهدید به قتل اسیران؛
۱۰. آتش زدن خیمه‌های ایشان.

جام بیست و دوم : در زیارت بیشتر قلب باشید تا ذهن

قلب سلیم و پاک یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های معنوی برای معامله با خدا و اولیای خداست. منافقین به خاطر بیماردلی و ناپاکی دل، هیچ‌گاه موفق به برقراری ارتباطی سالم با خدا و اولیای او نمی‌شوند. قرآن منافقین را بیماردلانی می‌داند که در مسیر نفاق جز بر بیماری آن‌ها افزوده نمی‌شود فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضاً...

مؤمنین به خاطر داشتن دل‌هایی پاک از تیرگی‌های چون شک و شرک و گناه، جلوه‌های رحمت خدا را از پنجره قلب خود به تماشا می‌نشینند و خنکای محبت اولیای الهی را در دل احساس می‌کنند.

معرفت و دانش سرمایه‌های ارزشمندی برای ارتباط با خدا و اولیای او هستند، اما این سرمایه‌ها در اختیار همه مردم نیست، اما سرمایه فراگیری که بسیاری از عوام و خواص از آن بهره‌مندند، قلبی پاک و بی‌آلایش است.

دل پاک شاهراه ارتباط با سیدالشهداست و برقراری ارتباط قلبی، بهترین شیوه و مسیر زیارت است. قلب سلیم، در واقع قلب تسلیم در برابر قلب امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام است و بهترین ثمره داشتن چنین قلبی، پیروی عملی از اوامر اهل بیت علیهم السلام خواهد بود، چنانچه در زیارت اربعین می‌خوانیم :

و قلبی لقلبکم سلیم و امری لأمرکم متبع

و قلبم تسلیم قلب شماست و پیرو عملی دستورات شما هستیم.

جام بیست و سوم: پیروان جریان باطل و صفات آنها

در زیارت اربعین، جریان باطل و دشمنان اهل بیت علیهم السلام به دو گروه تقسیم شده است:

گروه اول: پیشوایان و به تعبیر قرآن « ائمه نار »

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ﴾^۱

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به سوی آتش فرامی خواندند و روز رستاخیز یاری نخواهند شد.

گروه دوم: پیروان و یا مجریان سیاست‌های اموی

در زیارت اربعین پیروان و یا شیعیان اَبی سفیان با چند ویژگی معرفی شده‌اند:

۱. فریب‌خوردگی و ساده‌لوحی و مزدور صفتی

(قد توازر علیه من غرته الدنيا)

منظور از فریب‌خوردگان و مغرورین به دنیا کسانی‌اند که از سوی پیشوایان باطل در دل آنها جرئت گناه ایجاد شد و با تهدید و ترغیب و تطمیع سردمداران کفر، دست به هر جنایتی می‌زدند.

قرآن‌همچنین، به همه انسان‌ها درباره فریب نخوردن از دنیا و شیطان هشدار داده و می‌فرماید:

﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْفُرُورِ﴾^۲

و زندگانی دنیا جز کالایی فریبنده نیست.

۱. قصص، ۴۱.

۲. حدید، ۲۰.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ

الْغُرُورُ﴾^۱

ای مردم، همانا وعده خدا حق است. زنهار تا این زندگی دنیا شمارا فریب ندهد و زنهار [شیطان] فریبنده شمارا درباره خدا نفریبد.

۲. معاوضه بهره انسانی و دنیایی با امور پست و بی‌ارزش (و بَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْدَلِ الْآدَنِيِّ: و فروختند بهره (کامل و سعادت خود) را) به بهایی پست و ناچیز

انسان در دنیا بهره‌ها و نعمت‌های فراوانی دارد، نعمت‌هایی چون: جان، مال، خانواده، امنیت، دیانت، فرصت رشد و کمال و توشه‌برداری برای زندگی ابدی و... اما باین‌وجود کسانی که سیاه لشکر جریان باطل و سپاه یزید شدند، بهره خویش از خلقت را به کمترین متاع و بی‌ارزش‌ترین ثمن فروختند.

۳. فروختن آخرت به بهایی ناچیز

وَسَرَىٰ آخِرَتَهُ بِالْثَمَنِ الْاَوْكَسِ:

و بدادند آخرتشان را در مقابل بهائی اندک و بی‌مقدار.

قرآن در نکوهش برخی دنیاطلبان، به آخرت فروشی آنها برای رسیدن به دنیا اشاره می‌کند:

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا

يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾^۲

همین کسانی اند که زندگی دنیا را به [بهای] جهان دیگر فروختند، پس نه عذاب آنان سبک گردد و نه یاری شوند.

۱. فاطر، ۵.

۲. بقره، ۸۶.

۴. گرفتاری به صفت ظلم و تکبر (و تَغَطَّرَس)

تَغَطَّرَس به معنای ظلم و تکبر است. کوفیان به خاطر تکبر و نداشتن تواضع در برابر احکام خدا و اولیای الهی، حاضر به جنگ با سیدالشهداء علیه السلام شدند.

۵. سقوط در هواهای نفسانی (و تَرَدَى فِی هَوَاهِ)

کوفیان گذشته از آلودگی به تکبر، به دلیل هواپرستی و سقوط در چاه هواهای نفسانی، در برابر امام حسین علیه السلام صف کشیدند.

۶. پیروی از تفرقه افکنان

و أطاع من عبادک أهل الشقاق و التَّفَاق

۷. پیروی از منافقین و أهل جهنم

و أطاع من عبادک ... حملة الأوزار المستوجبين النار

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

ثلاثٌ مهلكات: شحٌّ مطاعٌ و هوىٌ متَّبَعٌ و إعجابُ المرءِ بنفسِهِ. ^۱

سه ویژگی موجب هلاکت انسان است:

۱. بخل و تنگ نظری در صورتی که از آن اطاعت شود؛

۲. هوای نفسی که از آن پیروی شود؛

۳. خودبزرگ بینی و عُجب.

۱. وسائل، ج ۱، ص ۱۰۲.

جام بیست و چهارم: فلسفه تکرار لعن‌ها

همان‌گونه که تکرار سلام‌ها در زیارت اربعین به‌عنوان ابراز تَوَلّی، معانی متعددی دارد، تکرار لعن‌ها علیه اشخاص و جریان‌های باطل نیز معانی متعددی دارد؛ در زیارت اربعین چندین لعن وجود دارد:

- ✓ اللَّهُمَّ فَالْعَنُهُمْ لَعْنَا كَثِيرًا وَبَيْلًا
- ✓ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ
- ✓ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ
- ✓ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ

اهداف و معانی لعن‌های زیارت اربعین :

۱. شناخت دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام
۲. شناخت علل جرم و دلیل لعن دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام
۳. ایجاد انزجار و فاصله بین ما و دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام
۴. تأکید بر تبری از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام
۵. تأکید بر دشمن‌ستیزی علاوه بر دشمن‌شناسی؛

جام بیست و پنجم: لعن قاعدین در زیارت اربعین

قاعدین گروه‌هایی از مسلمین‌اند که نه حاضر به فداکاری و یاری امام حسین علیه السلام و حضور در لشکر عاشورائیان شدند و نه در لشکر یزیدیان حاضر شدند؛ این افراد به‌عنوان تماشاگرانی به ظاهر بی‌طرف، تنها شنونده اخبار ظلم یزید بودند و با رضایت به حکومت یزید، هیچ مخالفتی از خود نسبت به او نشان ندادند و این‌گونه در زیارت اربعین، چنین افرادی لعنت شده‌اند:

و لعن الله أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ.

و خدا لعنت کند کسانی را که اخبار چنین ظلمی را شنیدند و بدان راضی شدند.

قَالَ عَلِيُّ عليه السلام الرّاضى بفعل قوم كالدّاخل فيه معهم و على كلّ داخلٍ فى باطلٍ
إثمَانٍ إثمُ العملِ بهِ وإثمُ [الرّضاً] الرّضى بهِ

آن که به کار کسانی خشنود است، چنان است که در میان کار آنان بوده است و هر که در باطلی پا نهاد، دو گناه بر گردن وی افتاد، گناه کردار و گناه خشنودی بدان کار.^۱

۱. نهج البلاغة (للصّبحى صالح)، ص ۴۹۹.

جام بیست و ششم: انواع ظلم بر اهل بیت علیهم السلام

ظلم رذیله‌ای است در برابر فضیلت عدالت . اسلام امویان معروف به ظلم و جور و اسلام علوی مشهور به عدل و داد است.

بنی‌امیه و دودمان امویان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام ، ظلم‌های فراوانی بر اهل بیت علیهم السلام و به‌ویژه حضرت سیدالشهداء علیه السلام روا داشتند و به همین دلیل تا ابد مورد نفرین آزادگان هستند و نفرین ما بر ظالمین در حق سیدالشهداء علیه السلام در زیارت اربعین (و لعن الله من ظلمک)، ناظر به همین حقیقت تلخ تاریخی است.

انواع ظلم‌هایی که دشمنان در حق امام حسین علیه السلام روا داشته‌اند، عبارت‌اند از:

۱. **ظلم فردی** (آزار و اذیت حضرت تا مرز به شهادت

رساندن ایشان)

۲. **ظلم خانوادگی** (به شهادت رساندن و اسیر کردن

خانواده آن حضرت)

۳. **ظلم جسمی** (پرتاب تیر و نیزه و سنگ، بریدن

انگشت و سر، مثله کردن، پایمال کردن سُم ستوران

(

۴. **ظلم روانی** (تهمت زدن، اهانت، دروغ‌پردازی و

تبلیغات منفی علیه حضرت، برپایی جشن و

پای‌کوبی و ابراز شادمانی برای کشتن حضرت)

۵. **ظلم اجتماعی** (ضایع کردن جایگاه و حقوق اجتماعی امام حسین علیه السلام مانند حق شهروندی، حق امنیت و ...)
۶. **ظلم تاریخی** (جلوگیری از رشد اندیشه و مکتب حسینی با سرکوب کردن قیام‌های برگرفته از مکتب عاشورا)
۷. **ظلم سیاسی** (غضب حق خلافت و امامت و برکنار کردن آن حضرت از جایگاه حکومت و سیاست)
۸. **ظلم اقتصادی** (تاراج همه دارایی‌های آن حضرت و خاندان ایشان)

جام بیست و هفتم : امام حسین علیه السلام و خدا

سیدالشهداء علیه السلام به عنوان عبد کامل خدا، از تمام سرمایه‌های وجودی خود در راه خدا بهره گرفت و به عنوان سرآمد همه اولیای الهی، عالی‌ترین نمایش بندگی و توحیدی را در طول تاریخ بشریت، از خود به یادگار گذاشت و در این راه هر ناملایمتی را به جان پذیرفت و «اسیر الکربات» شد. اقدامات خدایی امام حسین علیه السلام در زیارت اربعین عبارت‌اند از:

۱. بذل خون پاک خود و عزیزان خود در راه خدا (و)

بذل مهجته فیک؛

۲. نجات بندگان خدا (لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ)؛

۳. جهاد لسانی، مالی و جانی در راه خدا

(فَجَاهِدْهُمْ فِيكَ، جَاهِدْتَ فِي سَبِيلِهِ)؛

۴. دعوت مردم به سوی خدا (فَأَعْدَرَ فِي الدَّعَاءِ).

جام بیست و هشتم: خدا و امام حسین علیه السلام

خداوند در قرآن، این چنین خود را حامی و مدافع جبهه حق و مؤمنین راستین معرفی می کند

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا﴾^۱

قطعاً خداوند از کسانی که ایمان آورده اند، دفاع می کند.

از آنجاکه امام حسین علیه السلام، همه تلاش خالصانه خود را سخاوتمندانه در راه حق به کار گرفت، خداوند متعال هم به دلیل اعطای پاداش محسنین و هم به خاطر شاکر و علیم بودن و سپاس از مجاهدت های آن حضرت، انواع پاداش ها و موهبت های خاص خویش را بر سیدالشهداء علیه السلام ارزانی داشت؛ امام باقر علیه السلام در این خصوص می فرماید :

﴿إِنَّ اللَّهَ عَوَّضَ الْحُسَيْنَ علیه السلام مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْإِمَامَةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَالشَّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ وَاجَابَةَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ وَ لَا تَعُدُّ أَيَّامُ زَائِرِيهِ جَائِيًا وَ رَاجِعًا مِنْ عُمُرِهِ﴾^۲

همانا خداوند در عوض شهادت امام حسین، امامت را در نسل او قرار داد و شفا را در تربتش و مستجاب شدن دعا را کنار قبر حضرتش مقرر داشت و ایام زیارت زائرین آن حضرت در مسیر رفت و بازگشت از عمر آنها حساب نمی شود.

در زیارت اربعین به انواع پاداش ها و عطیه های الهی برای امام حسین علیه السلام اشاره شده است. پاداش هایی نظیر:

۱. مقام ولی اللّٰهی (السّلام علی ولی الله و حبیبه)

۱- حج، ۳۸.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۲۳.

۲. مقام حبيب اللّٰهى.
۳. مقام خليل اللّٰهى؛
۴. مقام نجيب اللّٰهى؛ (السلام على خليل الله و نجيبه)
۵. مقام صفى اللّٰهى (السلام على صفى الله)
۶. فوز و رستگارى (حَبَوْتَه بالسَّعَادَة)
۷. كرامت الهى
۸. پاكى ولادت (اجتبيته بطيب الولادة)
۹. برگزیدگى به سيادت و آقاىى (و جعلته سيّدا من السّادة)
۱۰. اعطای مواريث پیامبران (و اعطيتُهُ مواريث الأنبياء)
۱۱. مقام حجّت اللّٰهى (جعلته حجّةً على خلقك)
۱۲. مقام امين اللّٰهى (اشهد انك امين الله)
۱۳. لعن دشمنان آن حضرت (اللّٰهم فالعَنهم لعناً و بيلاً)
۱۴. عذاب قاتلين آن حضرت (و عدّبهم عذاباً أليماً)

جام بیست و نهم: امامت عامه و خاصه

امامت به دو قسم امامت عامه و خاصه تقسیم می‌شود. در امامت عامه، از شرایط عمومی امامت و صفات امام یاد می‌شود و در امامت خاصه درباره یکی از امامان به شکل ویژه بحث می‌شود.

در زیارت اربعین علاوه بر اینکه زائر به ذکر صفات و اهداف دشمنان و جریان‌های معاصر با سیدالشهداء علیه السلام و ویژگی‌های آن حضرت (امامت خاصه) می‌پردازد، صفات عمومی امامان و باورهای دینی خود درباره ائمه علیهم السلام (امامت عامه) را نیز بیان می‌کند.

برخی از موارد اشاره به مبحث امامت خاصه در زیارت اربعین عبارت است از :

❖ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ عِشْتُ سَعِيدًا وَ مَضَيْتُ حَمِيدًا وَ مِتُّ فَقِيدًا مَظْلُومًا شَهِيدًا

سلام بر تو ای فرزند سرور جانشینان، شهادت می‌دهم که تو امین خدا و فرزند امین اویی، خوشبخت زیستی و ستوده درگذشتی و از دنیا رفتی گم‌گشته و مظلوم و شهید.

❖ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَقَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ

گواهی می‌دهم که تو به عهد خدا وفا کردی و در راهش به جهاد برخاستی تا آنگاه که شهادتت فرا رسید.

❖ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ الْتَقِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ

و گواهی می‌دهم که پیشوای نیکوکار، باتقوا، راضی به مقدرات حق، پاکیزه، هدایت‌کننده و هدایت‌شده‌ای.

در مواردی نیز این‌گونه به مباحث امامت عامه در زیارت اربعین پرداخته شده است:

❖ **فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ**

پس با شمایم نه با دشمنانتان،

❖ **وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْهُ وَ لِدَكَ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَ أَعْلَامُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا**

و گواهی می‌دهم که امامان از فرزندان، اصل تقوا و نشانه‌های هدایت و دستگیره محکم و حجت بر اهل دنیا هستند.

❖ **وَ أَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُؤَقِنٌ**

و گواهی می‌دهم که من به‌یقین مؤمن به شمایم و به بازگشتان یقین دارم.

❖ **وَ نَصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ**

و یاری ام برای شما آماده است.

❖ **صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ أَجْسَادِكُمْ وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ ظَاهِرِكُمْ وَ بَاطِنِكُمْ**

درودهای خدا بر شما و بر ارواح و پیکرهایتان و بر حاضر و غایبتان و بر ظاهر و باطنتان، آمین ای پروردگار جهانیان.

جام سی ام: موضوع زعامت، رهبری و سیاست در زیارت اربعین

حق حاکمیت سیاسی سید الشهداء علیه السلام به عنوان پیشوا و رهبر امت اسلامی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین حقوق آن حضرت بود. مرز میان دو اندیشه تشیع و اهل سنت، در اعتقاد شیعه به نظام امامت و حقانیت اهل بیت علیهم السلام و وجود امام و لزوم بیعت با او و آمادگی برای هرگونه جان‌فشانی و مجاهدت برای اجرای فرمان امام و پیاده‌سازی نظام امامت است؛ به تعبیر دیگر واژه امام در فرهنگ شیعه واژه‌ای سیاسی بوده و به تصدی قدرت مشروع سیاسی اجتماعی برای معصوم اشاره دارد.

در زیارت اربعین به این حق اساسی سیدالشهداء علیه السلام که همان روح پیام غدیر در برابر سقیفه است، به شکل‌های مختلفی اشاره شده است، مانند:

۱. شهادت به پیشوایی سیدالشهداء علیه السلام

أشهد أنه وليك وابن وليه... جعلته سيّداً من السادة وقائداً من القادة وذائداً من الذادة

۲. میراث داری سیدالشهداء علیه السلام از پیامبران در هدایتگری و رهبری اجتماعی و استمرار نبوت در مقام ولایت.

أعطيته مواريث الأنبياء

۳. حجّت خدا بر خلق بودن سیدالشهداء علیه السلام

جعلته حجةً على خلقك من الأوصياء

۴. معرفی سیدالشهداء علیه السلام به عنوان ستون دین و رکن مسلمین

أشهد أنك من دعائم الدين وأركان المسلمين

۵. معرفی امام حسین علیه السلام به عنوان امام و رهبر

أشهدُ أنك الامام

۶. معرفی امام حسین علیه السلام به عنوان تضمین کننده تداوم

رهبری پس از خود

و اشهد أن الأئمة من ولدك كلمة التقوى و أعلام الهدى و

العروة الوثقى و الحجّة على أهل الدنیا

جام سی و یکم: مهدویت در زیارت اربعین

اعتقاد به ظهور منجی از جمله اصولی ترین و محکم ترین باورهای شیعیان و بلکه همه مسلمانان و دیگر مکاتب آسمانی و بشری است. اعتقاد به مهدویت و منجی گرایی در شیعه ریشه در مثبت اندیشی تاریخی دارد و بر مبنای اصولی مانند: «انّ الباطل کان زهوقاً»، «والعاقبة للمتین» و «الیس الصّیح بقرب» و سنت الهی پیروزی دین محمد بر همه ادیان و مذاهب استوار است. از آنجا که میان قیام حسینی و قیام مهدوی، پیوندهای فراوانی وجود دارد، در همه دعاها و زیارت‌های مربوط به سیدالشهداء علیه السلام به شکلی از مبحث مهدویت نیز یاد شده، به عنوان نمونه:

۱. در زیارت عاشورا می خوانیم: **وأن یرزقنی طلب ثارک...**
۲. در دعای ندبه آمده است: **این طالب بدم المقتول بکربلا**
۳. اما در زیارت اربعین از امام عصر علیه السلام با چند تعبیر یاد شده است:

۱،۳. **مهدی علیه السلام از نسل حسین علیه السلام**

• **اشهد أن الائمه من ولدک ...**

۲،۳. **آمادگی برای یاری امام عصر علیه السلام**

• **و نصرتی لکم معدة حتی یأذن الله لکم**

۳،۳. **اشاره به امام غائب**

✓ **صلوات الله علیکم و علی ارواحکم و اجسادکم و شاهدکم و غائبکم**

و ظاهرکم و باطنکم ،

درود خدا بر شما و بر روح‌ها و جسم‌ها و شاهد و غایب و ظاهر و باطن شما.

جام سی و دوم : فریاد یا حسین

یکی از وظایف امروزی ما، شناساندن امام حسین علیه السلام به جهانیان و با استفاده از ظرفیت‌های اربعین به منظور تسریع بخشیدن در امر فرج است؛

در روایات آمده است: «وقتی امام زمان ظهور می‌فرماید: پنج ندا خطاب به اهل عالم می‌کند:

۱. آلا یا اهل العالم انا الامام القائم.

۲. آلا یا اهل العالم انا الصمصام المنتقم.

۳. آلا یا اهل العالم ان جدی الحسین قتلوه عطشاناً.

۴. آلا یا اهل العالم ان جدی الحسین طرحوه غرباناً.

۵. آلا یا اهل العالم ان جدی الحسین سحقوه غدواناً.»

آیت الله بهجت درباره نقش پیاده روی در زیارت اربعین می‌فرماید:

« امام زمان خودش را به واسطه امام حسین به همه عالم معرفی می‌کند؛ بنابراین در آن زمان باید همه مردم عالم، حسین را شناخته باشند؛ اما الآن هنوز همه مردم عالم، حسین را نمی‌شناسند و این تقصیر ماست؛ چون ما برای سید الشهداء طوری فریاد نزدیم که همه عالم صدای ما را بشنود. پیاده‌روی اربعین، بهترین فرصت برای معرفی حسین به عالم است.»^۱

۱. فرهنگ نامه اربعین، ص ۲۴.

جام سی و سوم : اعتقاد به رجعت در زیارت اربعین

رجعت به معنای بازگشت است. یکی از باورهای قطعی در نظام فکری شیعه، اعتقاد به بازگشت دوباره امامان علیهم السلام و مؤمنین به عالم دنیا، قبل و بعد از ظهور امام عصر علیه السلام است. عقیده به رجعت به معنای باور داشتن دوباره زیستی در دنیا برای انسان‌های شایسته‌ای است که در دوره زندگی اول خود در دنیا، به دنبال اصلاح‌گری و جهاد در راه خدا و اجرای فرمان‌های اهل بیت علیهم السلام بوده‌اند، اما به خاطر وجود موانعی نتوانسته‌اند به پیروزی نهایی دست پیدا کنند؛ این افراد به‌عنوان سربازان ذخیره مصلح کل در حیات برزخی خود، منتظر قیام و ظهور هستند و زبان حال و قال آن‌ها این عبارات از دعای عهد است که:

اللَّهُمَّ إِنَّ خَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِ مُؤْتَرًّا كَفَنِي شَاهِرًا سِنِّي مُجَرَّدًا قَنَاتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي

پروردگارا! اگر مرگ که برای بندگانت امری حتمی قرار داده‌ای، میان من و آن حضرت جدائی انداخت، (در آستانه ظهور امام زمان علیه السلام) مرا از قبرم بیرون آور تا درحالی که کفنم را پوشیده و شمشیرم را از غلاف درآورده و نیزه‌ام را به دست گرفته‌ام در میان آن‌ها که در شهر حاضرند یا آنان که کوچ می‌کنند، قرار گیرم و دعوت‌کننده آن حضرت را اجابت کنم.

در زیارت اربعین نیز به مبحث رجعت اشاراتی شده است، مانند:

✓ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةً ،

و یاری‌ام برای شما آماده است.

در این عبارت، زائر خود را به‌عنوان نیروی ذخیره و آماده و منتظر در دوران غیبت و ظهور برای یاری اهل بیت علیهم‌السلام و استقرار حکومت عادلانه مهدوی معرفی می‌کند.

✓ **اِنِّیْ بِکُمْ مُؤْمِنٌ وَّ بِاِیَّاکُمْ مُوقِنٌ ،**

من به شما ایمان و به بازگشتتان یقین دارم.

این عبارت درباره‌ی ایمان به رجعت امامان علیهم‌السلام و مؤمنین است که با ظهور امام زمان علیه‌السلام اتفاق می‌افتد.

جام سی و چهارم: حسین علیه السلام را تنها نگذاریم (مُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ)

خذلان به معنای رها کردن و تنها گذاشتن است. ازجمله خطاهای بزرگ بشر در طول تاریخ، خذلان اولیاء و ترک رهبران شایسته و هادیان الهی و ترک یاری آن‌ها به هنگام نیاز بوده است.

بیشترین خسارت‌های مادی و معنوی بشر، زمانی رخ داده است که رهبران آسمانی تنها مانده‌اند و مردم به آن‌ها رغبتی نشان نداده‌اند و رشد سرطانی حکومت‌های طاغوتی و سلطه‌گری قارون‌ها و گسترش دامنه جور و فساد حکومت‌های استعماری در هر زمان، نشانگر خیانت مردمان آن روزگار به رهبران راستین و پیشوایان عادل است.

در زیارت اربعین می‌خوانیم :

✓ **مُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ** ، خدا هلاک می‌کند کسانی که تو را تنها و بدون یاور رها کردند.

✓ **اطاع من عبادک اهل الشقاق و النفاق** ، مردم از اهل اختلاف‌افکنی و نفاق پیروی کردند.

و این واقعیت بیانگر آن است که به دلیل کوتاهی مردم در یاری سیدالشهداء علیه السلام، آن حضرت به مسلخ کشانده شد.

امروزه نیز با عبرت گرفتن از این درس تاریخ لازم است مراقبت کنیم تا امام حسین علیه السلام و آرمان‌ها و شعارها و مکتب آن حضرت تنها نماند.

جام سی و پنجم : کرامت شهادت

از بزرگ‌ترین افتخارات هر انسان و از ارزش‌مندترین تکریم‌های الهی در حق انسان‌های شرافتمند، کرامت شهادت در راه خداست که در فرهنگ و ادبیات شیعه و امامان علیهم‌السلام جایگاه ویژه‌ای دارد.

امیرالمؤمنین علیهم‌السلام در ستایش شهادت می‌فرمایند.

إِنَّ أَكْرَمَ الْمَوْتِ الْقَتْلُ وَالَّذِي نَفْسُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ بِيَدِهِ لَأَلْفُ ضَرْبَةٍ بِالسَّيْفِ أَهْوَنُ عَلَى مَنْ مَيَّتَ عَلَى الْفِرَاسِ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ

گرامی‌ترین مرگها شهادت است. قسم به خدا هزار ضربه شمشیر بر من آسان‌تر است تا مرگ در بستر در غیر طاعت خدا.

و امام سجّاد علیهم‌السلام شهادت را افتخار خود می‌شمارند:

أَنَا ابْنُ مَنْ قُتِلَ صَبْرًا وَ كَفَىٰ بِذَلِكَ فَخْرًا^۱

من پسر آن کسی هستم که او را بدون دفاع (و به قتل صبر) کشتند و این افتخار شهادت ما را بس.

در زیارت اربعین دو بار از تعبیر شهید برای امام حسین استفاده شده و از شهادت به‌عنوان کرامتی الهی برای آن حضرت یاد شده است:

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۵، ص ۱۱۳.
۲. (قتل صبر آن است که انسانی را بسته نگهدارند و بکشند. به شهدا و اسیرانی که کشته می‌شوند «مصبور» نیز گفته می‌شود. از مظلومیت سیدالشهدا علیهم‌السلام و قساوت کوفیان آن بود که آن حضرت را در حالی که هنوز رمق در بدن داشت، به شهادت رساندند.) دائرة المعارف الاسلامیه، ج ۱۴، ص ۱۳۷.

* السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ
وَلِيِّكَ وَصَفِيِّكَ وَابْنُ صَفِيِّكَ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ أَكْرَمَتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَحَبْوَتَهُ بِالسَّعَادَةِ

* أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ عِشْتَ سَعِيدًا وَ مَضَيْتَ حَمِيدًا وَ مِتَّ فَقِيدًا

مَظْلُومًا شَهِيدًا

جام سی و ششم : قتل العبرات

قتیل به معنای مقتول و کشته شده و عبرات جمع **عبرة** به معنای اشک چشم است.

آنگاه که اشک دیده، جاری شود و از صفحه صورت عبور کند، به آن «**عبرة**» به معنای اشک فراوان می‌گویند.

امام حسین علیه السلام، کشته اشک‌هایی است که بر پهنه صورت‌ها جاری می‌شود و به دیگر تعبیر آن حضرت کشته‌شده‌ای است که هر مؤمن و آزاده‌ای که مصیبت آن حضرت را بشنود، گریان خواهد شد.

امام حسین علیه السلام می‌فرمودند:

«أنا قاتل العبرة لا يذكرني مؤمنٌ إلا استعبر»^۱

من کشته اشک‌هایم؛ هیچ مؤمنی مرا یاد نکند مگر اینکه اشکش جاری شود.

یکی از عجیب‌ترین و شگفت‌انگیزترین پدیده‌ها در مکتب سیدالشهداء علیه السلام جاری بودن همیشگی اشک‌ها به یاد آن حضرت در طول قرن‌های متمادی حیات شیعه است و به جرئت می‌توان گفت پس از شهادت آن حضرت روزی نیست که چشمه اشک‌های خالص به یاد حضرت جاری نشده باشد.

داستان «**قتل العبرة**» بودن سیدالشهداء علیه السلام عمری به درازای تاریخ دارد، زیرا از آدم گرفته تا خاتم و همه اولیای الهی و خوبان جهان به یاد او و در عزای آن حضرت گریسته‌اند و گریه بر آن حضرت نه تنها در عالم خاک که در اوج افلاک نیز ثابت است.

۱. اُمالی شیخ صدوق، ص ۱۳۷.

اشک بر حسین علیه السلام، حقیقتی پر راز و رمز است که هزاران پیام و معنا دارد؛ برخی از مهم‌ترین معانی این اشک‌های مقدّس عبارت‌اند از:

۱. **اشک عبادت و عرفان:** چون گریه بر حضرت بزرگ‌ترین عبادت و تازیانه سلوک الی الله است؛

۲. **اشک یاری و نصرت آن حضرت:** چون یکی از راه‌های یاری حضرت، گریه بر ایشان است؛

۳. **اشک توبه و طهارت:** چون گریه بر مصائب سید الشهداء علیه السلام موجب بخشایش گناهان و توفیق یافتن برای ترک گناه است؛

۴. **اشک غم‌زدگی و مصیبت:** چون شیعه مصیبت‌زده حسین علیه السلام و عزادار دائمی آن حضرت است؛

۵. **اشک ابراز محبت و مودّت و عطوفت:** زیرا اشک بر آن حضرت از سر عشق و محبت به ایشان است؛

۶. **اشک قدرت و سیاست (گریه سیاسی):** چون اشک بر حسین قوی‌ترین عامل سرکوب ستمگران و مانع توسعه ظلم آنان است؛

۷. **اشک اعتراض و اعلام مظلومیت آن حضرت:** چون اشک بر حسین علیه السلام اعتراض به همه ستمگران و سبب افشای ظلم آن‌هاست؛

۸. **اشک معنویت‌گرایی و آخرت‌طلبی:** چون گریه بر حسین علیه السلام عامل شفاعت در روز قیامت است؛

۹. **اشک همدردی و نیابت از حضرت زهرا علیها السلام:** چون گریه بر حسین علیه السلام به‌مثابه عرض تسلیت به محضر

مادرش حضرت زهرا علیها السلام و نوعی معاونت در غم‌زدگی ایشان و نیابت از آن بانوی بزرگوار در عزاداری بر امام حسین علیه السلام است.

حضرت امام رضا علیه السلام در مورد گریه برای امام حسین علیه السلام به ابن شیبب فرمودند:

* يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ كُنْتُ بَاكِياً لَشَيْءٍ فَأَبْكُ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَإِنَّهُ دُحِحَ كَمَا يُدْحِقُ الْكَبِشُ وَقُتِلَ مَعَهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ رَجُلًا مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ شَيْبُهُونَ^۱

اگر می‌خواهی گریه کنی، بر حسین بن علی ابن ابی طالب علیه السلام گریه کن، زیرا او را همچون گوسفند ذبح کردند و هیجده نفر از بستگانش به همراهش شهید شدند که در روی زمین نظیر نداشتند.

* يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ بَكَيتَ عَلَى الْحُسَيْنِ عليه السلام حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعَكَ عَلَى خَدَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ صَغِيراً كَانَ أَوْ كَبِيراً قَلِيلاً كَانَ أَوْ كَثِيراً^۲

ای ابن شیبب! اگر به‌گونه‌ای بر حسین گریه کنی که اشک‌هایت بر گونه‌هایت جاری شود، خداوند هر گناهی که مرتکب شده باشی - چه کوچک، چه بزرگ، چه کم و چه زیاد - خواهد بخشید.

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۹.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۰۰.

جام سی و هفتم: حسین علیه السلام؛ وارث انبیاء

بر اساس باورهای مسلمانان که مستند به آیات شریفه قرآن و روایات معصومین علیهم السلام و مستندات فراوان تاریخی است، خداوند متعال، زنجیره‌ای از انسان‌های صالح و برتر را مأمور هدایت و راهنمایی خلق قرار داده است؛ این انسان‌های وارسته که در همهٔ مقاطع تاریخی حضوری پررنگ داشته‌اند، سفیران الهی برای تربیت انسان‌ها هستند؛ قرآن در بیان این حقیقت می‌فرماید:

﴿وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾

و برای هر قومی، هدایتگری وجود دارد.

امام حسین علیه السلام در زیارت اربعین به‌عنوان وارث انبیای الهی و وارث و فرزند نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله معرفی شده‌اند:

و أُعْطِيَتْهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ

و میراث‌های پیامبران را به ایشان (امام حسین علیه السلام) عطا فرمودی.

این میراث بری معنوی از انبیاء عظام در زیارت وارث با ذکر نام انبیاء بزرگ مورد تصریح قرار گرفته است.

یعنی امام حسین بت‌شکنی و توحید را از ابراهیم، مبارزه با فرعون زمان را از موسی، پاکی و قداس مادر و زنده نمودن مرده‌دلان را از عیسی و ملاحظت و حکمت و شجاعت و کمالات را از حضرت محمد صلی الله علیه و آله به ارث برده است.

جام سی و هشتم : موضوع قیامت و معاد در زیارت اربعین

ایمان به معاد و باور داشتن فرجامی ماورایی برای بشر به منظور حسابرسی از کردار نیک و بد انسان و ظهور عدالت مطلق الهی در جهانی دیگر، از اصول فکری همه مسلمانان و اهل ایمان است.

در قرآن بیش از دو هزار آیه درباره معاد آمده است و این حجم گسترده از آیات نشانگر لزوم تنظیم اندیشه و سبک زندگی انسان بر این اعتقاد در دنیا برای تربیت و راه یافتن به کمال است. اعتقاد به معاد، انسان را در مسیر صلاح و مراقبت و تلاش برای انجام هر چه بیشتر کار خیر قرار می دهد و برعکس، انکار معاد، انسان را به حیوانی درنده خو، خطرناک و شرور تبدیل می کند. وجود معاد برای رسیدگی به کردار خوب و بد انسان ها در دنیایی دیگر، جلوه ای از حکمت و عدالت الهی است و نبود چنین دنیایی برای برقراری عدالت، به معنای نابودی بسیاری از مجاهدت ها و کارهای صالح و بی اجری انسان های نیکوکار و پایمال شدن حق ستمدیدگان خواهد بود.

در زیارت اربعین به عنوان پشتوانه ای اعتقادی و به منظور دفاع از حق سیدالشهداء علیه السلام و مظلومیت آن حضرت و مجازات دشمنان خبیث و ملعون ایشان، در چند مورد به مبحث معاد اشاره شده است:

۱. السلام علی الحسین المظلوم الشهید

اشاره به شهادت مظلومانه سید الشهداء علیه السلام به معنای ضروری بودن وجود روزی است که در آن از حق آن حضرت دفاع شده و از ستمکاران و قاتلین ایشان انتقام گرفته می شود.

قرآن به فرجام تاریک ظالمین اشاره کرده و می فرماید:

﴿فَقَطَّعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^۱

پس ریشه آن گروهی که ستم کردند برکنده شد، و ستایش برای خداوند، پروردگار جهانیان است.

۲. و أطاع من عبادك اهل الشقاق و النفاق و حملة الأوزار

المستوجبين النار

در این عبارت از دشمنان و قاتلان امام حسین علیه السلام با تعبیر مستحقین عذاب و آتش یاد شده است.

۳. أَللَّهُمَّ فَالْعَنِهِمْ لَعْنًا وَبِيلاً وَ عَذِّبِهِمْ عَذَاباً أَلِيماً

درخواست عذاب دردناک برای دشمنان امام حسین علیه السلام نیز، اشاره به وجود دنیایی دیگر برای استجابت این دعا است.

۴. أشهدُ أن الله منجز ما وعدك و مهلك من خذلك و مُعذِّب من

قتلك

شهادت دادن به تحقق وعده‌های الهی درباره سید الشهداء علیه السلام و هلاک کردن دشمنان ایشان در دنیا و عذاب در آخرت نیز شاهدی دیگر بر وجود دنیایی دیگر برای احقاق حق امام حسین علیه السلام است.

۱. انعام، ۴۵.

جام سی و نهم: انواع ارتباطات در زیارت اربعین

در مجموع شش نوع ارتباط در زیارت اربعین به چشم می خورد:

۱. ارتباط با خدا

(اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْهَدُكَ، اَللّهُمَّ الْعَنَّا وَ بِيْلَا وَ ...)

۲. ارتباط زائر با امام حسین علیه السلام

(السّلام علی الحسین المظلوم الشّهِید)

۳. ارتباط زائر با همه اهل بیت علیهم السلام

(فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوْكُمْ)

۴. ارتباط خدا با امام حسین علیه السلام و ائمه علیهم السلام

(صلوات الله علیکم و علی ارواحکم و اجسادکم)

۵. ارتباط زائر با دشمنان امام حسین علیه السلام

(فلعن الله مَنْ قتلک و لعن الله من ظلمک)

۶. ارتباط زائر با دوستان اهل بیت علیهم السلام

(اَنْتَیْ وَ لِیْ لِمَنْ وَ الْاِله)

جام جهلم: مباحث خانواده در زیارت اربعین

داشتن اصالت خانوادگی و وضعیت مطلوب و قانون محور در مراحل تکوین، انعقاد نطفه، رشد دوره جنینی و حیات دنیوی، از مهم‌ترین پشتوانه‌های شخصیت‌های اصیل و توحیدی است.

در زیارت اربعین در کنار طرح نسب خانوادگی امام حسین علیه السلام و سیر تکاملی دوره‌های زندگی آن حضرت، یعنی عالم صلب پدران و رحم پاک مادران خود، به یکی از مهم‌ترین دلایل ظلم‌ستیزی و قیام و اصلاح‌طلبی ایشان یعنی نجیب‌زادگی اشاره شده است. انسان‌های نجیب به دلیل بهره‌مندی از ولادت پاک، وجودی حق‌پرست دارند و به همین دلیل برای حضور در جبهه حق و دفاع همه‌جانبه از دین خدا توفیق می‌یابند.

عباراتی که در زیارت اربعین ناظر به اصالت خانوادگی و نجیب‌زادگی سیدالشهداست، از این قرار است:

* اجْتَبَيْتَهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ

* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ

* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ

* أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ [الطَّاهِرَةِ] لَمْ

تَنْجَسَكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلْبَسَكَ الْمُدْلَهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا

گواهی دهم که تو به راستی نوری بودی در پشت پدرانی بلندمرتبه و رحم‌هایی پاکیزه که آلوده‌ات نکرد اوضاع زمان جاهلیت به آلودگی‌هایش و در برت نکرد از لباس‌های چرکینش

این شرافت خانوادگی مدال افتخار و انگیزه مبارزه حضرت
با یزید است؛ ایشان در روز عاشورا می فرمایند:

أَلَا وَإِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَّةِ وَ الدَّلَّةِ وَ هَيْهَاتَ مِنَّا
الدَّلَّةُ يَا بَنِي اللَّهِ ذَلِكَ لَنَا وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ حُجُورٌ طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ وَ أُنُوفٌ حَمِيَّةٌ
وَ نُفُوسٌ أَبِيَّةٌ مِنْ أَنْ نُؤْثِرَ طَاعَةَ اللَّثَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ اللُّهُوفِ^۱

همین شایستگی ها و صفات بزرگ موجب می شود تا حسین
بن علی علیه السلام به عنوان پدر پیشوایان بعد از خود انتخاب گردد و
نور ائمه از ذریه آن حضرت ادامه یابد.

و اشهد أن الأئمة من ولدك

۱. علی قتلی الطفوف / ترجمه فهری، النص، ص ۹۸.

زيارت نامه اربعين

زيارت نامه اول: از امام صادق عليه السلام

عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ قَالَ لِي مَوْلَايَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي زِيَارَةِ
الْأَرْبَعِينَ تَزُورُ عِنْدَ ارْتِفَاعِ النَّهَارِ فَتَقُولُ السَّلَامُ عَلَيَّ وَوَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ
السَّلَامُ عَلَيَّ خَلِيلِ اللَّهِ وَنَجِيِّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيِّهِ السَّلَامُ
عَلَيَّ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ الرَّشِيدِ السَّلَامُ عَلَيَّ أُسْبُحُ الْكُرْبَاتِ وَقَتِيلِ
الْعَبْرَاتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ وَصَفِيكَ وَابْنُ صَفِيكَ
الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ وَاجْتَبَيْتَهُ بِطِيبِ
الْوَلَادَةِ وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ وَذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ وَ
أَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَيَّ خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ فَأَعْذَرَ
فِي الدُّعَاءِ وَمَنَحَ النُّصْحَ وَبَدَلَ مَهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ
وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْضِ
الْأَدْنَى وَ شَرَى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ وَ تَغَطَّرَسَ وَ تَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَ
أَسْخَطَكَ وَ أَسْخَطَ نَبِيَّكَ وَ أَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَ النِّفَاقِ وَ
حَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى
سُفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَ اسْتَبِيحَ حَرِيمُهُ اللَّهُمَّ فَالْعَنُهُمْ لَعْنًا كَثِيرًا وَبِيلاً وَ
عَذِّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا أَنَا يَا مَوْلَايَ عَبْدِ اللَّهِ وَ زَائِرُكَ جِئْتُكَ مُشْتَقًا فَكُنْ لِي
شَفِيعًا إِلَى اللَّهِ يَا سَيِّدِي اسْتَشْفِعُ إِلَى اللَّهِ بِجَدِّكَ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَ بِأَبِيكَ
سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَ بِأُمِّكَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ
رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ
أَمِينُ اللَّهِ وَ ابْنُ أَمِينِهِ عِشْتَ سَعِيدًا وَ مَضَيْتَ حَمِيدًا وَ مِتَّ فَقِيدًا مَظْلُومًا

شَهِيداً وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ لِّكَ مَا [لَمَّا] وَعَدَكَ وَ مَهْلِكٌ مِّنْ خَذَلِكَ
 وَ مُعَذِّبٌ مِّنْ قَتَلِكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ
 حَتَّى أَتَاكَ الْبَيْتَيْنِ فَلَعَنَ اللَّهُ مَن قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَن ظَلَمَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ
 أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ اللَّهْمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ وَ
 عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُوراً
 فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَ الْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ لَمْ تُنَجَّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا
 وَ لَمْ تُلْبَسْكَ الْمُدْلَهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَ
 أَرْكَانِ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْلِمِينَ وَ مَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ
 النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَ لَدَيْكَ كَلِمَةُ
 التَّقْوَى وَ أَعْلَامُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ أَشْهَدُ
 أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ [وَ بِخَوَاتِيمِ]
 عَمَلِي وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى
 يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَأَمَعَ عَدُوُّكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ
 وَ أَجْسَادِكُمْ وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ ظَاهِرِكُمْ وَ بَاطِنِكُمْ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ -
 ثُمَّ تَصَلَّى رُكْعَتَيْنِ وَ تَدْعُو بِمَا أَحْبَبْتَ وَ تَنْصَرِفُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ^١

١. إقبال الأعمال (ط - القديمة)، ج ٢، ص ٥٩١.

وَقَالَ عَطَاءٌ كُنْتُ مَعَ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ يَوْمَ الْعِشْرِينَ مِنْ صَفَرٍ فَلَمَّا وَصَلْنَا
 الْغَاضِرِيَّةَ اغْتَسَلَ فِي شَرِيْعَتِهَا وَ لَبَسَ قَمِيصًا كَانَ مَعَهُ طَاهِرًا ثُمَّ قَالَ لِي
 أَمَعَكَ شَيْءٌ مِنَ الطَّيِّبِ يَا عَطَاءُ قُلْتُ مَعِيَ سَعْدٌ فَجَعَلَ مِنْهُ عَلَى رَأْسِهِ
 وَ سَاطِرَ جَسَدِهِ ثُمَّ مَشَى حَافِيًا حَتَّى وَقَفَ عِنْدَ رَأْسِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ كَبَّرَ
 ثَلَاثًا ثُمَّ خَرَّ مَغْشِيًّا عَلَيْهِ فَلَمَّا أَفَاقَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا آلَ اللَّهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ السَّلَامُ
 عَلَيْكُمْ يَا سَادَاتِ السَّادَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا لُيُوثَ الْغَابَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ
 يَا سَفِينَةَ النَّجَاةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 وَارِثَ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ
 اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ
 الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ
 الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدَ بَنِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ بَنِ الْقَتِيلِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَ ابْنَ وَلِيِّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ ابْنَ
 حُجَّتِهِ عَلَى خَلْقِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ
 بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ بَرَرْتَ وَ الْدِيكَ وَ جَاهَدْتَ عَدُوَّكَ أَشْهَدُ
 أَنَّكَ تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَ تَرُدُّ الْجَوَابَ وَ أَنَّكَ حَبِيبُ اللَّهِ وَ خَلِيلُهُ وَ نَجِيبُهُ وَ
 صَفِيُّهُ وَ ابْنُ صَفِيَّتِهِ زُرْتُكَ مُشْتَقًا فَكُنْ لِي شَفِيعًا إِلَى اللَّهِ يَا سَيِّدِي
 اسْتَشْفِعُ إِلَى اللَّهِ بِجَدِّكَ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَ بِأَبِيكَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَ بِأُمَّكَ

سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِيكَ وَظَالِمِيكَ وَشَانِيكَ وَمُبْغِضِيكَ
مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ثُمَّ أَنْحَى عَلَى الْقَبْرِ وَمَرَّ خَدْيَهُ عَلَيْهِ وَصَلَّى
أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ جَاءَ إِلَى قَبْرِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ لَعَنَ اللَّهُ ظَالِمَكَ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ
بِمَحَبَّتِكُمْ وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ عَدُوِّكُمْ ثُمَّ قَبَّلَهُ وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَالتَفَتَ
إِلَى قُبُورِ الشُّهَدَاءِ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَى الْأَرْوَاحِ الْمُنِيخَةِ بِقَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ -
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا شِيعَةَ اللَّهِ وَشِيعَةَ رَسُولِهِ وَشِيعَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ
وَالحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا طَاهِرُونَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَهْدِيُونَ السَّلَامُ
عَلَيْكُمْ يَا أَبْرَارُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَعَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْحَافِينَ بِقُبُورِكُمْ جَمَعَنِي
اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ فِي مُسْتَقَرٍّ رَحْمَتِهِ تَحْتَ عَرْشِهِ ثُمَّ جَاءَ إِلَى قَبْرِ الْعَبَّاسِ بْنِ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا عَبَّاسَ بْنَ عَلِيٍّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ
قَدْ بَالِغْتَ فِي النَّصِيحَةِ وَأَدَيْتَ الْأَمَانَةَ وَجَاهَدْتَ عَدُوَّكَ وَعَدُوَّ أَخِيكَ
فَصَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَى رُوحِكَ الطَّيِّبَةِ وَجَزَاكَ اللَّهُ مِنْ أَخٍ خَيْرًا ثُمَّ صَلَّى
رَكَعَتَيْنِ وَدَعَا إِلَى اللَّهِ وَمَضَى. ١

١. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٩٨، ص ٣٣٠.

کتابنامه

۱. قرآن کریم؛
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق؛
۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق؛
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للصدوق)، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش؛
۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق؛
۶. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، عدّة الداعی و نجاح الساعی، قم: دار الکتب الإسلامی، ۱۴۰۷ ق؛
۷. ابن أبی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه، قم: دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ ق؛
۸. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف اشرف: دار المرتضویّه، ۱۳۵۶ ش؛
۹. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق؛
۱۰. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعّه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق؛
۱۱. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال (ط - التقدیمه)، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۹ ق؛
۱۲. ابن طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه فهری، تهران: جهان؛
۱۳. راغب أصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق؛
۱۴. معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، موسوعه زیارات المعصومین، قم: مؤسسه الامام الهادی (ع)، ۱۳۸۳ش.

برخی از آثار مؤلف:

۱. فرهنگ فاطمیه/الفاظ و اصطلاحات درباره حضرت زهرا علیها السلام / وزیری/۶۲۴؛
۲. فرهنگ جوان/ ۶۰۰ نکته تربیتی در موضوع جوانان / وزیری /۶۴۴ ص؛
۳. انتظار و وظایف منتظران/رقعی/ ۱۲۰ ص؛
۴. بهشت اخلاق (۱)و(۲) / بررسی ۳۱۳ واژه‌ی اخلاقی/ وزیری / ۸۰۰ ص؛
۵. مدیریت زمان (۱)/ بحثی پیرامون ارزش وقت/ پالتویی/ ۵۲ صفحه؛
۶. مدیریت زمان (۲) / بحث تکمیلی مدیریت زمان (۱) ؛
۷. مدیریت زمان(۳)/ ویژه شب‌های قدر/ پالتویی/۱۵۲ ص؛
۸. مدیریت خانواده(۱)/با موضوع ازدواج/ پالتویی/۱۳۲ ص؛
۹. مدیریت خانواده(۲)/ بحث تکمیلی مدیریت خانواده (۱) /پالتویی /۱۳۲ ص؛
۱۰. مدیریت خانواده (۳)/ بحث تکمیلی مدیریت خانواده(۲)/ پالتویی /۸۴ ص؛
۱۱. مدیریت فرهنگی(۱)/ سازمان و سازمان دهی / پالتویی/ ۱۴۲ ص؛
۱۲. مدیریت فرهنگی (۲)/محتوا/ پالتویی/ ۱۳۲ ص؛
۱۳. مدیریت فرهنگی (۳)/ شیوه‌ها / پالتویی/ ۱۹۲ ص؛
۱۴. مدیریت فرهنگی اعتکاف/ رقیی/ ۵۶ ص؛
۱۵. مدیریت زیارت عمومی اهل بیت علیهم السلام / پالتویی/ ۱۵۲ ص؛
۱۶. مدیریت زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام / پالتویی/ ۱۵۶ ص؛
۱۷. مدیریت زیارت امام حسین علیه السلام / پالتویی/ ۱۸۷ ص؛
۱۸. شهرسپیدخدا/ مدیریت معنوی حج /پالتویی/ ۲۱۴ ص؛
۱۹. سربازی مجازی عاشوراء/ پالتویی/ ۴۷ ص؛
۲۰. درس‌هایی بزرگ از معلمی کوچک (از گل به گل) بررسی رفتارشناسی شیعه باتوجه به نماد زنبور عسل / رقیی/ ۱۱۲ ص؛
۲۱. شهاب قبس/راهکارهای تربیت فرزند بر محبت اهل بیت علیهم السلام / رقیی/ ۷۰ ص
۲۲. جلوه‌های انضباط و اقتدار حسینی/ رقیی/ ۲۲۴ ص؛
۲۳. مدیریت زیارت امام رضا علیه السلام / پالتویی/ ۸۴ ص؛
۲۴. اهداف عاشورا/پالتویی/ ۵۴ ص؛
۲۵. مهارت‌های زندگی/ رقیی/ ۱۷۶ ص؛
۲۶. از آسمان تا آسمان/ ۱۱۰ نکته از زیارت عاشورا/ پالتویی/ ۱۶۸ ص؛
۲۷. بهشت عقاید/ ج ۱/ عوامل دین‌گریزی و تثبیت دین/ وزیری/ ۳۶۰ ص؛
۲۸. بهشت عقاید/ ج ۲/ مباحث عمومی عقاید/ وزیری/ ۴۸۸ ص؛
۲۹. بهشت عقاید/ ج ۳/ شناخت خدا و اثبات وجود خدا/ وزیری/ ۴۸۰ ص؛
۳۰. بهشت عقاید/ ج ۴/ براهن توحید و اقسام توحید و شرک/ وزیری؛

مسابقه فرهنگی

توضیحات شرکت در مسابقه

• پرسش‌ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.

• به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:
۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی: برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه و شماره گزینه‌های صحیح پرسش‌ها به صورت یک عدد پنج‌رقمی از چپ به راست را، همراه با نام و نام خانوادگی خود، به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.

مثال: **چهل جام معرفت از زیارت اربعین ۱۳۳۴** رضا شهیدی
۲. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی به نشانی:

www.razavi.aqr.ir

۳. پاسخ به پرسش‌ها در پاسخ‌نامه: پاسخ‌نامه تکمیل شده را می‌توانید به صندوق‌های مخصوص مستقر در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی فرهنگی بیندازید یا به صندوق پستی ۳۵۱-۹۱۷۳۵ ارسال کنید.

• هزینه ارسال پاسخ‌نامه از طریق قرارداد «پست جواب قبول» پرداخت شده است و لازم نیست از پاکت و تمبر استفاده کنید.
• آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.

• قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های کامل و صحیح و به صورت روزانه انجام می‌شود و نتیجه آن نیز از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می‌رسد.

تذکر: پیشنهادهای و انتقادهای خود را در پیامکی جداگانه ارسال کنید.

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹

پرسش‌ها

پرسش اول. کدام گزینه از فواید و برکات زیارت اربعین در بُعد اجتماعی است؟

۱. فرصتی است برای محبت‌افزایی در ابعاد گوناگون
۲. فرصتی است برای شناخت ظرفیت جهانی شیعیان
۳. فرصتی است برای ایجاد فضایی معنوی و ولایی
۴. فرصتی است برای تقویت و تصحیح روابط شیعیان

پرسش دوم. کدام گزینه از پیام‌های سیاسی و اجتماعی زیارت اربعین است؟

۱. نوعی جهاد مقدس و دفاع از مکتب شیعه
۲. مانوری باشکوه و صلح‌آمیز برای شیعه
۳. عدم‌ترک زیارت، حتی‌الامکان در هیچ شرایطی
۴. همه گزینه‌ها

پرسش سوم. کدام گزینه از امتیازات شخصیتی «عطیه عوفی» است؟

۱. راوی خطبه فدکیه بودن
۲. از اصحاب پیامبر ﷺ بودن
۳. فرزند شهید بودن
۴. فرماندهی جنگ‌های پیامبر ﷺ

پرسش چهارم. بهترین ثمره داشتن قلب سلیم کدام است؟

۱. پیروی عملی از اوامراهل بیت علیهم‌السلام
۲. نماز اول وقت و خواندن نماز شب
۳. خوف از خدا و اولیای خدا، در نهان و آشکار
۴. نیکی کردن به پدر و مادر و انفاق

پرسش پنجم. کدام یک از ویژگی‌های زیر باعث هلاکت انسان طبق فرمایش است؟

۱. کم‌توجهی به نمازهای مستحبی
۲. هوای نفسی که از آن پیروی شود
۳. آسان‌نگرفتن در خرید و فروش
۴. گزینه ۱ و ۳

پاسخ نامه مسابقه فرهنگی چهل جام معرفت از زیارت اربعین

نام و نام خانوادگی: نام پدر:

تحصیلات: استان: شهر:

تلفن ثابت باکد شهر: شماره همراه:

گزینه	۱	۲	۳	۴
پرسش				
اول				
دوم				
سوم				
چهارم				
پنجم				

نظرسنجی کتاب چهل جام معرفت از زیارت اربعین

ردیف	موضوع	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری (طرح جلد، اندازه و...)					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فهم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مفیدبودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب پرسش‌ها با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					
پیشنهادهای و انتقاداتها: -----						

لیه کاغذ را پس از برش، تازده و بچسبانید

پست جواب قبول



فرستنده:

.....

.....

کدپستی:

از این قسمت تا شود - - - - -

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۲۵۱ - ۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

صندوق پستی: ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵

